

سید عباس اسلامی کاشانی

بسم الله الرحمن الرحیم

عرفه و عرفات

نویسنده:

عباس اسلامی کاشانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عرفه و عرفات

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسلامی کاشانی، سیدعباس، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : عرفه و عرفات/ سیدعباس اسلامی‌کاشانی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۳۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۸۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : دعای روز عرفه

موضوع : وقوف در عرفات

رده بندی کنگره : BP۲۷۰ /ع۴۰۴۲۲الف۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۷۰۸۸۷

ص:۱

دیباچه

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

در بحث دعا و نیایش، پیش از آنکه بدانیم چرا باید دعا کنیم و دعاکردن چه سودی دارد، باید درباره موضوع عشق و معرفت بیشتر بدانیم.

عشق و معرفت، روشنی‌بخش‌اند؛ تا جایی که انسان راکد را به حرکت وامی‌دارند و او را با معشوق کامل و محبوب مطلق، پیوند می‌دهند.

دعا و نیایش، نیاز فطری هر انسان و جوهر زندگی و روح حیات و نشانه عشق و محبت است و در مقابل، زندگی بدون دعا و نیایش، خشک، سرد و بی‌روح است. تنها محبوب و معشوقی که شایسته نیایش و ستایش است، خداوند متعال است.

ما در هر زمان و مکان و با هر زبانی می‌توانیم خدای خود را بخوانیم و با او راز و نیاز کنیم؛ اما برخی ایام و بعضی دعاها از ویژگی‌های متمایزی برخوردارند؛ به‌طوری‌که با خواندن برخی دعاها در روزهای

ص:۱۰

ویژه، ارتباطمعنادار و عمیقی با خدای خود برقرار می‌کنیم؛ زیرا این دعاها از زبان انسان‌هایی صادر شده که کلامشان سرشار از فصاحت، بلاغت و شیوایی ویژه‌ای است و در شناخت پروردگار و شیوه گفت‌وگوی با او، از معرفت، توحید و بصیرت کاملی برخوردارند. دعای عرفه در روز عرفه از جمله این ادعیه و روزهای خاص است.

بنابراین، با خواندن این‌گونه دعاها، می‌توانیم عمیق‌تر، صحیح‌تر، غنی‌تر و زیباتر با پروردگار خود مناجات کنیم و به راز و نیاز بپردازیم.

کتاب حاضر، با عنوان «عرفه و عرفات» ، اثر استاد محقق، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعباس اسلامی کاشانی، به اهمیت نیایش از زبان سالار شهیدان، امام حسین (ع) در روز عرفه و صحرای عرفات پرداخته و با بهره‌گیری از آیه‌ها و روایت‌ها، اثری ماندگار و خواندنی برجای گذاشته است. امید که با مطالعه این اثر ارزشمند، بسیار زیباتر و صمیمی‌تر بتوانیم با پروردگار خود ارتباط برقرار کنیم.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص:۱۱

مقدمه

قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی * وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانِی * یَفْقَهُوا قَوْلِی (طه: ۲۵– ۲۸)

خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی(۱)

دعا و نیایش روح را تهذیب، نفس را تزکیه، اندیشه را تصفیه و تردید را از دل می‌زداید و راه رشد و کمال را به انسان می‌نمایاند.

یکی از زیباترین نیایش‌های وارده از معصومان (علیهم‌السلام) ، دعای عرفه امام‌حسین (ع) است. چهل و هفتمین دعای «صحیفه سجادیه» نیز دعای عرفه امام سجاد (ع) در روز عرفه است.

نیایش عرفه، مدرسه عرفان و زمزم معرفت است. امام در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، در زمان و مکانی شریف این دعا را ایراد

۱- فردوسی.

ص:۱۲

کردند. عرفان اسلامی که سیر و سلوک در مسیر رسیدن به قرب الهی است، در سرتاسر این دعای شریف، موج می‌زند و به‌خوبی حس می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان رسیدن به فنای فی‌الله را تنها از این فراز دعای حضرت که می‌فرماید: «

أ یَکُونُ لِغَیْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَیْسَ لَک » ، به روشنی دریافت.

کی‌بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تورا؟ کی رفته‌ای زدل که تمنّا کنم تورا؟

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

با صدهزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را (۱)

در این کتاب، دعای عرفه، با استناد به آیات و روایات و نیز با استفاده از متون ادبی و عرفانی شرح شده است. همچنین سعی شده مطالب تکراری یا کم‌نتیجه آورده نشود و به منظور استفاده بیشتر و ماندگاری مطالب ارزشمند آن در ذهن مخاطبان، مطالب به‌ساختاری بدیع بازسازی و با عنوان‌هایی مفید و راهگشا تنظیم شده است تا رغبت بیشتری را در خواننده محترم ایجاد کند.

این نوشتار، به‌مناسبت محوریت عنوان پژوهش که عبارت است از: «عرفه و عرفات» از دو رکن اساسی نیایش روز عرفه و سرزمین مقدس عرفات سامان یافته است.

بدین‌ترتیب، در بخش اول با عنوان «عرفه روز نیایش» ، در سه گفتار

۱- فروغی بسطامی.

ص:۱۳

به تبیین، تحلیل و بررسی نَقلی و عقلی جایگاهِ روز عرفه؛ آیین نیایش و مهم‌ترین نیایش‌های وارده در این روز (عرفه) پرداخته‌ایم.

بخش دوم این پژوهش بـا عنوان «عرفات سـرزمین عشق» نیز در سه گفتار سامان یافته است. گفتارها عبارت‌انـد از: جایگاه سـرزمین عرفات؛ فضیلت‌های عرفات در آیینه کتاب و سنت و صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی.

پیش از ورود به محور اصلی بحث، از باب «

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ المَخْلُوقَ، لَمْ‌یَشْکُرِ الْخـالِقَ» ، از همه عزیزان و فرهیختگـانی که در این مسـیر پر فراز و نشـیب، بـا مشـاوره و کمکهـای فکری و فنی‌شان راه را برایم هموار کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

امیـد که این اثر بتوانـد تحـول روحی و عینی ارزنـده‌ای را مـوجب شـود. در پایـان، از ذات اقـدس الهی میخـواهم که به برکت این نوشـتار، اینجانب، والدین و فرزندانم را مشـمول ادعیهٔ زاکیهٔ حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مَقدمِه الفداء قرار دهد.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

ص:۱۴

ص:۱۵

بخش اول: عرفه روز نیایش

اشاره

ص:۱۶

ص:۱۷

گفتار اول: جایگاه روز عرفه

۱. اهمیت روز عرفه

امام صادق (ع) می‌فرماید:

فلسفه اینکه در روز عرفه و در عرفات، بین نماز ظهر و عصر جمع می‌شود و سریع و با عجله نماز برگزار می‌گردد، آن است که با فراغ بال به دعا و نیایش پرداخته شود؛ زیرا آن روز، روز دعا و درخواست از درگاه خداوند سبحان است.(۱)

امام باقر (ع) نیز در مورد استجابت دعا در عرفات می‌فرماید:

هیچ نیکوکار و بدکاری نیست که در عرفات توقّف کند؛ مگر اینکه خدا دعایش را مستجاب کند. دعای نیکوکار برای آخرتش مستجاب شود و دعای بدکار برای دنیایش.(۲)

۱- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج ۵، ص۱۸۲.

۲- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۴، ص ۲۶۲.

ص:۱۸

۲. فضیلت‌های روز عرفه از چشم‌انداز قرآن و روایات

الف) عرفه در آیینهقرآن کریم

در قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که بر عرفه منطبق شده است:

وَ الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ (بروج:۲و۳)

سوگند به آن روز موعود و سوگند به «شاهد» و «مشهود» ! [پیامبر و اعمال امت].

بعضـی‌از روایات، شاهد را «روز جمعه» و مشـهود را «روز عرفه» دانسته‌اند. (۱)ولی برخی دیگر، شاهد را روز عرفه و مشـهود را روز قیامت معرفی کرده‌اند. (۲)اما بیشتر روایات، شاهد را روز جمعه و مشهود را روز عرفه و روز موعود را قیامت اعلام کرده‌اند. (۳)

همچنین در آیه‌ای دیگر، منظور از مشهود، همان روز عرفه است.

ذلِکَ یَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذلِکَ یَوْمٌ مَشْهُودٌ (هود:۱۰۳)

در آن روز که مردم گردآوری می‌شوند و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند.

بر این اساس، می‌توان گفت که تعبیر «مشـهود» در این دو آیه، با روز عرفه مطابقت دارد. از این رو، خداوند در قرآن به عظمت این روز قسم یاد کرده و آن را روزی دانسته که تمامی انسان‌ها در آن روز حاضر شده

۱- معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، ص ۲۹۸.

۲- همان.

۳- همان.

ص:۱۹

و اجتماع می‌یابند. همچنین، براساس آیه دوم می‌توان گفت که میان عرفات و عرصات قیامت مناسبتی وجود دارد.

در تفاسیر عرفانی، نقل‌های متعدد و فراوانی دربارهٔ «شاهد» و «مشهود» آمده است(۱)؛ از جمله اینکه شاهد، خلق و مشهود، خداست؛ زیرا انسان‌ها خدا را با قلب خویش شهود می‌کنند.

ب) عرفه در آیینه روایت‌ها

امام سجاد (ع) به سائلی که روز عرفه، از مردم درخواست مال می‌کرد، فرمود:

وَیْحَکَ أ غَیْرَ اللهِ تَسْأَلُ فِی هَذَا الْیَوْمِ إِنَّهُ لَیُرْجَی لِمَا فِی بُطُونِ الْجِبالِ فِی هَذَا الْیَوْمِ أنْ یَکُونَ سَعِیداً.(۲)

وای بر تو! آیا در چنین روزی از غیر خدا طلب می‌کنی؟ حال آنکه امروز آنچنان رحمت حق، شامل و عام است که امید آن می‌رود آنچه در شکم کوه‌هاست، مشمول رحمت عامه حق گردد و خوش‌بخت و سعادتمند شوند.

۱- تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشید الدین میبدی، ج ۱۰، ص ۴۳۸؛ لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، ج ۳، ص ۷۱۰.

۲- الوافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۲. مرحوم فیض در بیان این حدیث می‌گوید: «سعادت، هر چیزی مناسب حال خودش است. بنابراین شاید مراد از سعادت، آنچه در شکم کوه‌هاست، این باشد که از کوه، نباتی بروید و بعد از تحوّلات پی‌درپی به صورت نطفه‌ای درآید و از آن، انسان سعیدی متکون گردد» . همچنین در روایت دیگری که «مستدرک» نقل کرده، به جای کلمه «الجبال» ، کلمه «الحُبالی» آمده که به معنای «زنان آبستن» است و در این صورت، معنای حدیث روشن‌تر خواهد بود. ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۲۸؛ بحارالانوار، ج۹۹، ص۲۹۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص۱۳۷.

ص:۲۰

در روایتی آمده که امام رضا (ع) در روز عرفه تمام اموال خود را بین فقرا تقسیم کرد. فضل بن‌سهل عرض کرد: «این‌کار موجب زیان است» . فرمود: «نه، خیر است، موجب سود است. هرگز کاری که موجب اجر و پاداش شود، نباید زیان به حساب آورد» .(۱)

در مسجدالحرام مردی از امام صادق (ع) پرسید: «چه کسی گناهش از گناه همه بزرگ‌تر است؟» ایشان فرمود:

مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ المَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ سَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وِزْراً.(۲)

هرکس که در این دو موقف عرفه و مشعر، وقوف کند و بین این دو کوه [صفا و مروه] سعی نماید و گرد این خانه [کعبه] طواف انجام دهد و نماز پشت مقام ابراهیم به‌جاآورد، در عین حال بعد از تمام این اعمال، پیش خود بگوید یا گمان کند که خدا او را نیامرزیده است، این آدم از همه کس، گناهش عظیم‌تر است [بدگمانی به خدا و ناامیدی از رحمت خدا، گناهی بسیار بزرگ و خطرناك است].

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرمود: «

ما مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرُ أَنْ يُعتِقَ اللهُ فيهِ عَبْداً مِنَ النّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ »(۳)؛ «خداوند هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند» .

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱۲، ص ۹۰.

۲- وافی، ج ۲، ص ۴۲؛ آداب الحرمین، ص۲۶۸.

۳- السنن الکبری، احمد بن حسینی بیهقی، ج ۵، ص ۱۹۲.

ص:۲۱

فضیلت روز عرفه به اندازه فضیلت شب قدر است. این روز را گرامی دار و لحظههایش را غنیمت شمار که غروب آفتاب این روز، به زودی می‌رسد و چادرها برچیده میشوند و خاطرهاش برای تو می‌ماند. زنهار که دست خالی برگردی و آنجا، بار گناه را زمین ننهاده و عرفانت را افزون نساخته باشی! حضرت آدم (ع) ، به دستور فرشته الهی، در این سرزمین به ذکر و یاد خدا و توبه پرداخت.

در اهمیت روز عرفه، همین بس که امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ فی شَهْرِ رَمَضانَ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ إلی قابِلٍ إلّا أنْ یَشْهَدَ عَرَفَةَ.(۱)

اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه رمضان آینده به آمرزش او امیدی نیست، مگر آنکه عرفه را [با شرایط آن] درک کند.

منظور از «حج اکبر» ، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، مجاهد، عطاء، سعید بن مسیب، نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می‌دانند.(۲)عطاء می گوید: «

اَلحَجُّ الْأَکْبَرُ الَّذی فیهِ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ، وَ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ »(۳)؛ «حجِّ اکبر همان وقوف در عرفه و حجِّ اصغر، عمره است» .

اسماعیل قاضی در حدیث «مخرمه» از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «

یَوْمُ الحَجِّ الأَکْبَرِ یَومُ عَرَفَهْ » (۴)؛ «همانا روز عرفه، روز

۱- کافی، ج ۴، ص ۶۶.

۲- تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ۸، ص ۶۹.

۳- همان، ص ۷۰.

۴- همان.

ص:۲۲

حج اکبر است» .

ابن ابی‌حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مخرمه از قول رسول‌خدا (ص) آورده‌اند که:

اِنَّه قالَ خَطَبَ رَسُولُ الله (ص) عَشِیَّةَ عَرَفَةَ، فَقالَ اَمّا بَعْدُ فَاِنّ هذا یَومُ الحَجِّ الاَکْبرِ.(۱)

پیامبر (ص) پس از ظهر عرفه، برای مردم سخن می‌گفت و خطاب به آنها فرمود: «امروز، روز حج اکبر است» .

ابن جریر نقل می‌کند که از علی بن ابی‌طالب (ع) در مورد روز حج اکبر سؤال کردم، ایشان فرمود: «روز عرفه است» .(۲)

ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است:

همانا روز عرفه، روز حج اکبر است و این روز، روز مباهات است. روزی است که خداوند به اهل زمین در برابر ملائکه آسمان، فخر کرده و می‌فرماید: «ژولیده‌موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده‌اند. به من ایمان آوردند، با آنکه مرا ندیده‌اند. به عزت خودم سوگند آنها را می‌بخشم» .(۳)

برخی از افرادی که این قول را پذیرفته‌اند، به حدیث معروف «

الحجّ عرفه » استدلال کرده، می‌گویند:

از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین اعمال حج، وقوف در عرفه می‌باشد و کسی

۱- تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.

۲- درالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۳.

۳- همان.

ص:۲۳

که آن را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند، حج او باطل است، لذا روز عرفه را روز حج اکبر نامیده‌اند.(۱)

درباره اهمیت عرفات همین بس که در روایتی آمده است: «

الحج عرفه »(۲)؛ «حج، عرفه است» . البته این بدان معنا نیست که دیگر اعمال حج، کم اهمیت‌اند، بلکه این روایت، حاجیان را به مهم‌ترین رکن حج -که عرفه است - هدایت می‌کند و شاید دلیل شدت این اهمیت، همان نقشی باشد که عرفات در آمرزش گناهان دارد که انسان‌های گنه‌کار وارد آنجا شده، بخشوده شده و خارج می‌شوند.

در برخی روایات فریقین، از روزه گرفتن در روز عرفه نهی شده است که شاید علت این نهی، شور و نشاط داشتن هنگام دعا و نیایش است؛ زیرا انسان روزه‌دار، در آن سرزمین و به ویژه در آن هوای گرم، به آسانی نشاط نیایش نمی‌یابد. بنابر روایتی که مجلسی در بحارالانوار نقل می‌کند، روزه گرفتن در روز عرفه، برای کسی که در دعا خواندن ضعف پیدا نکند، مستحب است و این خود مؤید آن است که کراهت روزه بدان جهت است که انسان‌ها برای دعا خواندن، حال و نشاط داشته باشند.(۳)

روز عرفه، روز دعاست. اهمیت دعا در این روز به اندازه‌ای است که

۱- تفسیر کبیر، ج۱۵، ص۲۲۱.

۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، ج ۱۰، ص ۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۹۴، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

ص:۲۴

اگر روزه داشتن سبب ضعف و بی‌حالی فرد در دعا شود، سزاوار است روزه نگیرد تا بتواند دعا کند. (۱)با اینکه روزه آن روز، جبران گناهان نود ساله است.(۲)

دعا و تضرع به درگاه خدا و طلب حوایج دنیا و آخرت، از مهم‌ترین اعمال این روز است؛ تا آنجا که فرموده‌اند: «روزه‌داری این روز با تمام فضیلت و اجر عظیمی که دارد، کفاره نود سال است» .(۳)

امیرمؤمنان علی (ع) ، فرمود:

مَن صامَ یَومَ عَرَفَةَ مُحْتَسِباً فَکأنّما صامَ الدَّهرَ.(۴)

کسی که روز عرفه روزه بگیرد، مانند آن است که تمام روزگار روزه گرفته است.

ولی اگر موجب ضعف و سستی دعا شود، محکوم به کراهت است.(۵)

به راستی که ارزش و اهمیت این روز مصداق این سروده خیام است که می‌گوید:

این قافلهٔ عمر عجب می‌گذرد دریاب شبی که در طرب می‌گذرد

۱- ر. ك: مفاتیح‌الجنان. موضوع روزه‌گرفتن برای غیرحجّاج مطرح است؛ چرا که زائر خانهٔ خدا مسافر است و نباید روز بگیرد.

۲- المراقبات، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، ص ۲۲۹.

۳- همان.

۴- کتاب الصیام شهر رمضان المبارك، ج ۱، ص ۵۹۴.

۵- همان.

ص:۲۵

ساقی، غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می گذرد(۱)

امام صادق (ع) فرمود:

هنگامی که روز عرفه به پایان انجامید و شب فرا رسید، فرشتگان به دوش انسان زده و می گویند: «ای زائر خانهٔ خدا! گذشته‌های تو بخشیده شد، مواظب باش که در آینده، چگونه‌ای؟»(۲)

۳. امامت و روز عرفه

روایت‌های فراوانی در مورد حضور امام عصر (عج) در این روز در عرفات وجود دارد.(۳)امام سجاد (ع) در نیایش عرفه خود، با اشاره به ارتباط میان روز عرفه و امامت، می‌فرمایند:

أللّهُمَّ هـذا یَوْمُ عَرَفَةَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَ-رْتَ فیهِ رَحْمَتَ‌ِکَ، وَ مَنَنْتَ فیهِ بِعَفْوِکَ، وَ أجْزَلْتَ فیهِ عَطِیَّتَکَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلی عِبادِکَ. أللّهُمَّ وَ أنَا عَبْدُکَ الَّذی أنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إیّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَیْتَهُ لِدینِکَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّکَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ، وَ أدْخَلْتَهُ فی حِزْبِکَ، وَ أرْشَدْتَهُ لِمُوالاةِ اولیائِکَ، وَ

۱- خیام نیشابوری.

۲- وافی، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۴۵.

۳- از جمله می‌توان به این روایت امام صادق۷ اشاره کرد که حضرت می‌فرماید: «مردم امامی را نمی‌یابند که در مراسم حج حاضر نباشد. او مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند» ؛ الغیبهٔ، نعمانی، ص۱۷۵. ر. ک: تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی کاشانی، بخش چهارم.

ص:۲۶

مُعاداةِ أعْدائِکَ.(۱)

خدایا! امروز روز عرفه است؛ روزی که آن را شریف و گرامی داشته‌ای و تعظیم و تجلیل کرده‌ای. در این روز، رحمت خود را پراکنده‌ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده‌ای و عطای خود در حق ایشان افزوده‌ای و بر بندگانت تفضل فرموده‌ای. ای خداوند! من آن بندهٔ توام که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن. او را در زمرهٔ کسانی آورده‌ای که آنها را به دین خود راه نموده‌ای و به گزاردن حق خویش، توفیق داده‌ای و اکنون چنگ در ریسمان دوستی تو زده و تو او را در حزب خود داخل کرده‌ای و او را راهی نموده‌ای که با دوستانت دوستی ورزد و با دشمنانت دشمنی کند.

امام محمد باقر (ع) نیز در حدیثی ضمن اشاره به اهمیت روز عرفه و موضوع امامت، نکته‌هایی را درباره روز عید غدیر متذکر شدند. ابی‌الجارود می‌گوید:

شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: «خدای عزّوجلّ پنج چیز بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیزش را گرفتند و یکی را رها کردند» . عرض کردم: «قربانت گردم، آنها را برای من نام می‌بری؟» فرمود: در نماز، مردم نمی‌دانستند چگونه نماز گزارند تا جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «ای محمد! وقت‌های نماز را به مردم خبر ده. . .» . زکات پس از نماز نازل شد. جبرئیل گفت: «ای محمد! راجع به زکات، آنها را خبر ده؛ چنان‌که راجع

۱- فرازی از دعای ۴۷ صحیفه مبارک سجادیه.

ص:۲۷

به نماز خبر دادی» . سپس روزه ماه رمضان، میان شعبان و شوال نازل شد. سپس امر به حج رسید و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «چنان‌که درباره نماز و زکات و روزه به مردم خبر دادی، درباره حج هم خبر ده» . سپس امر به ولایت رسید و آن امر، روز جمعه در عرفه رسید و خدای عزّوجلّ آیهٔ: «امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» را نازل کرد و کمال دین به سبب ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) بود. پیامبر (ص) در آنجا فرمود: «امت من هنوز به دوران جاهلیت نزدیک‌اند [تازه از جاهلیت به اسلام گرویده‌اند]. اگر من نسبت به پسرعمویم به آنها خبری دهم، هرکسی حرفی می‌زند، من این مطلب را بدون اینکه به زبان آورم، در دلم می‌گفتم تا آنکه فرمان حتمی خدای عزّوجلّ به من رسید و مرا تهدید کرد که اگر ابلاغ نکنم، عذابم خواهد کرد و این آیه نازل شد:

یـا أَیُّهَـا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ (مائده:۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است، به‌طور کامل [به مردم] ابلاغ کن. اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا تو را از [خطرات احتمالی] مردم حفظ می‌کند و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

پس رسول خدا (ص) ، دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند [از دارفانی به عالم باقی رهسپار گشتند] و نزدیک است

ص:۲۸

که مرا هم بخواند و اجابت کنم. من مسؤلیت دارم و شما هم مسئولیت دارید. اکنون شما چه می گویید؟» آنها گفتند: «گواهی دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود، رسانیدی. خدا بهترین پاداش پیغمبران را به تو دهد» . پیغمبر سه مرتبه فرمود: «خدایا! شاهد باش» . سپس فرمود: «ای گروه مسلمانان! این [شخصی که روی دست من و نامش علی بن ابی‌طالب (ع) است] پس از من ولی شماست. شما که حاضرید به غائبین برسانید» .

امام باقر (ع) در ادامه فرمود:

به خدا که علی (ع) ، امین خدا بود بر خلقش و راز پنهانش و دینی که برای خود پسندیده بود. سپس وفات رسول خدا (ص) فرا رسید. آن حضرت، علی (ع) را طلبید و به او فرمود: «ای علی! من می‌خواهم آنچه را که خدا مرا بر آن امین ساخته و به من سپرده، تو را بر آن امین سازم و به تو سپارم و آن راز پنهان خدا و علم خدا و مخلوق خدا و دینی است که برای خود پسندیده» .

امام باقر (ع) فرمود:

به خدا ای زیاد هیچ کسی را در اینها شریک علی نساخت. سپس وفات علی (ع) فرا رسید. آن حضرت، فرزندانش را که دوازده پسر بودند، نزد خود خواند و به آنها فرمود: «فرزندان عزیزم! خدای عزّوجلّ اراده حتمی فرمود که سنتی از یعقوب در من قرار دهد . یعقوب دوازده پسر داشت، آنها را نزد خود خواند و صاحب آنها [و جانشین خود] را به آنها معرفی کرد. آگاه باشید که من هم صاحب شما را معرفی می کنم. همانا این دو، پسران رسول خدا (ص) حسن و حسین (علیهماالسلام) هستند، از آنها بشنوید و فرمان برید و

ص:۲۹

پشتیبانی نمایید که من آنچه را رسول خدا به من سپرده و خدا به او سپرده بود، به آنها می‌سپارم و آن چیز مخلوق خدا و راز پنهان خدا و دینی است که او برای خود پسندیده است» .

پس، خدا برای آنها از جانب علی واجب ساخت، آنچه را علی از جانب پیامبر (ص) واجب ساخت [و آن شنیدن و فرمانبری و پشتیبانی امت است از ایشان] و هیچ‌یک از آن دو، بر دیگری برتری نداشت، جز به واسطه بزرگسالی‌اش [که مخصوص امام‌حسن (ع) بود] و چون امام حسین (ع) به محضر امام حسن (ع) می‌آمد، در آن مجلس سخن نمی‌گفت تا برمی‌خاست .

سپس وفات امام حسن (ع) فرا رسید و او آن سپرده را به امام حسین (ع) تسلیم نمود. سپس وفات امام حسین (ع) فرا رسید. آن حضرت، دختر بزرگ‌ترش فاطمه بنت‌الحسین (علیهماالسلام) را طلبید و مکتوبی پیچیده و وصیتی آشکار به او سپرد و علی بن الحسین (علیهماالسلام) بیماریی از نظر معده داشت که در حال احتضارش می‌دیدند. پس فاطمه آن مکتوب را به علی بن الحسین (علیهماالسلام) داد. سپس، به خدا آن مکتوب به ما رسید.(۱)

در سال دهم هجری قمری، صحرای با عظمت و مقدس عرفات، شاهد آخرین حج پیامبر (ص) (حَجةالوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبهٔ مهم و تعیین‌کننده آن حضرت که به حق، آن را «منشور حقوق بین‌الملل اسلامی» نامیدند، در تاریخ اسلام جایگاه بس ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر (ص) در تمامی منابع تاریخی

۱- اصول کافی، ج۲، ص۴۹.

ص:۳۰

آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر (ص) برای ابلاغ این خطبه، بر فراز همان سنگی که بعدها به منبر تبدیل شد، ایستاده بود.

برخی از محدثان اهل سنت (۱)بر این باورند که آیه یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ ، به‌هنگام وقوف پیامبر (ص) در عرفه (حجهٔالوداع) نازل شده است. اما مفسران شیعه، نزول آن را در «غدیر خم» ، که پیامبر (ص) چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواند، می‌دانند.(۲)

۴. فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه

بخش-ودگی اهل گنه در صف محشر وابسته به‌یک گردش چشمان حسین است

از جمله افضل اعمال وارده در روز عرفه، زیارت امام حسین (ع) است. امام صادق (ع) فرمود:

هرکس قبر امام حسین (ع) را در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار هزار حج که با قائم آل‌محمّد (عج) کرده‌باشد، بنویسد و هزار هزار عمره که با حضرت رسول (ص) کرده باشد و نیز ثواب آزاد کردن هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار کس به جهاد در راه خدا برای او

۱- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- علامه امینی در اثر ارزشمند خود «الغدیر» ، نظرهای گوناگونی را با مستندات روایی و تاریخی ارائه کرده است.

ص:۳۱

نوشته شود و خداوند او را بنده تصدیق‌کننده او و ایمان آورده به وعده او می‌نامد و ملائکه گویند: «فلان مرد صدیق است» و خداوند او را در بالای عرش عظمت و جلالش ثنا گفته است و در زمین، او را کروبی نامند که لقب ملائکه مقرب است.(۱)

امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود:

هر گاه حج واجب را به‌جا آورد و بخواهد که حج یا عمره مستحبی به‌جا آورد، ولی مشغله دنیوی یا علایق، او را مانع شد، در روز عرفه کنار قبر امام حسین (ع) برود که او را مجزی است از ادا کردن حج و عمره و حق تعالی ثواب او را چندین برابر کند.

راوی پرسید: «ثوابش چند برابر حجّ و عمره است؟» حضرت فرمود: «ثوابش را نمی‌توان شمرد» . پرسید: «صد برابر؟» فرمود: «کی می‌شود شمرد» . پرسید: «هزار برابر؟» فرمود: «بیشتر» . پس این آیه را خواند(۲):

وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها إِنَّ اللهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل:۱۸)

اگر نعمت‌های خدا را بشمارید؛ هرگز نمی‌توانید آنها را احصاء کنید. به‌درستی که خداوند آمرزنده و مهربان است.

شیخ صدوق، در ثواب الاعمال نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُوَّارِ قَبْرِ الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیهماالسلام)

۱- وسائل‌الشیعه، محمد بن حسن عاملی، ج۷، ص ۴۶۰؛ المراقبات، ص۲۲۹.

۲- بحارالانوار، ج۹۸، ص۹۲.

ص:۳۲

عَشِیَّهَ عَرَفَهَ .

خدا در شب عرفه نخست به زوّار امام حسین (ع) توجّه می کند.

راوی از آن حضرت پرسید: «آیا پیش از نظر کردن به حاجیان در عرفات؟» امام (ع) پاسخ داد: «آری» .

امام (ع) در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ اللَه تَبَارَک وَ تَعَالَی یَتَجَلَّی لِزُوَّارِ قَبْرِ الحُسَیْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ (فَیَفْعَلُ ذَلِک بِهِمْ) وَ یَقْضِی حَوَائِجَهُمْ وَ یَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ یُشَفِّعُهُمْ فِی مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ یَثْنِی بِأَهْلِ عَرَفَاتٍ یَفْعَلُ ذَلِک بِهِمْ. (۱)

پروردگار حکیم، عنایت ویژه خود را متوجه زوار قبر امام‌حسین (ع) می کند، پیش از آنکه به حجاج واقف در عرفات توجه کند. خدا حوایج زوار حسین را برآورده می‌سازد، گناهانشان را می‌بخشد و از آنها شفاعت به عمل می‌آورد. پس به حاجیانی که در عرفات وقوف کرده توجه نموده، با آنها نیز این‌چنین عمل می کند.

۱- نک: ثواب الاعمال، ابن بابویه قمی، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص۴۶۵؛ المراقبات، ص۲۲۹.

ص:۳۳

گفتار دوم: آیین نیایش

اشاره

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب ما را زِ جام باده هستی خراب کن(۱)

۱. نیایش از چشم‌انداز آیه‌های قرآن کریم

جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجاب–ت از تو است

ه–م ز اول ت–و ده--ی می–ل دعا تو دهی آخر دع–اها را جزا

اول و آخ---ر ت–ویی، م--ا در میان هیچ هیچی که نیاید در بیان(۲)

در آیاتی از قرآن مجید، به مسئله دعا و نیایش توجه ویژه‌ای شده است؛ از جمله در آیه‌هایی همچون:

۱- حافظ. نقـل است که عـارف کامـل، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، \ اسـتاد اخلاق امام خمینی قدس‌سـره ، مکرر این شـعر را در قنوت نوافل می‌خوانده‌اند. ر. ک. : طبیب دل‌ها، به نقل از استاد حسن‌زاده آملی، ص۱۹۱ .

۲- مولوی.

ص:۳۴

وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (بقره:۱۸۶)

و چون که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو:] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند].

علامه طباطبایی (رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

دعا با سؤال متفاوت است؛ دعا عبارت از این است که دعاکننده می‌خواهد نظر مخاطب را به خود متوجه سازد و سؤال این است که پس از یافتن مخاطب، چیزی از او درخواست نماید.

بنابراین، سؤال در حکم غرض و نتیجه دعاست و این معنا بر تمام مصادیق سؤال منطبق می‌گردد؛ مانند سؤال از مطالب علمی، سؤال از محاسبات و سؤال برای کمک خواستن و. . . .(۱)

در رابطه با این آیه، نکته‌های دیگری نیز قابل طرح‌اند:

اول اینکه، اساس سخن بر گویندگی ذات اقدس الهی، به صورت متکلم وحده گذارده شده است، نه غیبت و مانند آن و این امر، خود نشان‌دهندهکمال عنایت به این موضوع است؛

دوم اینکه، به جای اینکه گفته شود: «

اذا سألک النّاس» ، عبارت «

عبادی » را به کار برده که این خود از عنایت بیشتری حکایت دارد؛

سوم اینکه، واسطه در جواب حذف شده و بدون واسطه، چنین آمده

۱- تفسیر المیزان، ج۲، ص۳۱.

ص:۳۵

است: «

إنّی قَریب» و نفرموده: «

فَقُل إنّی» یا «

إنّه قَریب» ؛

چهارم اینکه، در این جمله، برای تأکید از حرف «

إنّ » استفاده شده است؛

پنجم اینکه، مسئله قُرب خدا با صفت «

قَریب» وصف شده، نه با فعلی که بر قرب دلالت داشته باشد و بدین‌ترتیب، بر ثبوت و دوام قرب تأکید شده است؛

ششم اینکه، اجابت با فعل مضارع «

اُجیب» ذکر شده، تا بر تجدد و استمرار اجابت دلالت کند؛

هفتم اینکه، اجابت دعا با جمله شرطی «

إذا دَعان» ؛ «اگر مرا بخواند» ، مقید شده است و این قید، مطلب زایدی بر عبارت «

دعوهٔ الدّاع» ندارد. بلکه عین همان است و فایده چنین قیدی این است که اجابت دعا، مقید و مشروط به هیچ قید و شرطی نیست؛ چنان‌که در آیهشریفهچنین آمده است: وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ ؛ «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم» . (غافر:۶۰)

این آیه، گواه شدت عنایت خداوند به امر دعا و تأثیر آن و سرعت و قاطعیت اجابت آن است و از ویژگی‌های این آیهشریفه، این است که با همه ایجازی که دارد، هفت مرتبه یاد خدای سبحان به گونهضمیر متکلم در آن تکرار شده و این تنها آیه قرآن است که چنین مزیتی دارد.(۱)

۱- ر. ک: تفسیر المیزان، ج۲، صص ۳۰ و ۳۱.

ص:۳۶

ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَ-رُّعاً وَ خُفْیَهً إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ * وَلاتُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْ-لاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (اعراف:۵۵ و ۵۶)

پروردگار خود را [آشکارا] از روی تضرع و پنهانی بخوانید؛ [و از تجاوز، دست بردارید که] او متجاوزان را دوست نمی‌دارد و در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید [بیم از مسئولیت‌ها و امید به رحمتش و نیکی کنید]؛ زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

الهی سینهای ده آتش افروز در آن‌سینه دلی و آن‌دل همه سوز

هرآن دل‌را که‌سوزی نیست، دل‌نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

دلم پر شعله گردان، سینه پر درد زبانم کن به گفتن آتش‌آلود(۱)

قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزاماً (فرقان: ۷۷)

بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست. اگر دعای شما نباشد، شما [آیات خدا و پیامبران را] تکذیب کردید و این عمل، دامان شما را خواهد گرفت، از شما جدا نخواهد شد.

یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (الرحمن:۲۹)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از او درخواست میکنند و او هر روز، در شأن و کاری است.

۱- وحشی بافقی.

ص:۳۷

وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ (غافر: ۶۰)

پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من، تکبر میورزند، به زودی خوار به دوزخ درآیند.

۲. فضیلت نیایش

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس

رسول خدا (ص) فرمود: «

ما مِنْ شَیْءٍ اَکرمَ عَلَی الله تعالی مِنَ الدُّعاءِ »(۱)؛ «هیچ‌چیزی نزد خدا گرامی‌تر و با ارزش‌تر از دعا نیست» .

حضرت در روایتی دیگر فرمود: «

اَلدُّعاءُ مُخُّ الْعِبادَةِ لا یُهْلَکُ مَعَ الدُّعاءِ اَحَدٌ »(۲)؛ «دعا مغز عبادت است، هیچ‌گاه کسی با دعا هلاک نمی‌شود» .

امام باقر (ع) نیز در پاسخ به سائلی که پرسید: «قرآن زیاد خواندن افضل است یا دعا زیاد کردن؟» فرمود: «زیاد دعا کردن افضل است» . سپس حضرت این آیه را خواند: قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ؛ «بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (فرقان: ۷۷) . (۳)

در میان دستورهای دینی، بحث دعا فصل ویژه‌ای را به خود

۱- عدّة الداعی، ابن فهد حلی، ص۳۱۳.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص ۳۰۰.

۳- عدّة الداعی، ص۱۴.

ص:۳۸

اختصاص داده است. گذشته از بعضی عبادت‌ها مانند نماز که تقریباً سراسر دعاست، در برخی عبادت‌ها مانند روزه و حج و غیره، دعا سنت شده است. دعاهای بسیاری در مواقع معین، مانند دعای کمیل که شب‌های جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای ندبه که هر صبح جمعه آن‌را می‌خوانند یا دعای سمات که در عصر جمعه خواندن آن مستحب است و همچنین دعای معروف مکارم الاخلاق و مرضی‌الافعال(۱)یا خواندن دعای عهد که محدث قمی (رحمه‌الله) (۲)آن را از حضرت صادق (ع) نقل کرده و نیز خواندن ادعیه مأثوره در روزهای عید، به‌ویژه دعای عرفه امام حسین در سرزمین عرفات و. . . فضیلت‌های بسیاری را نصیب انسان می‌کند؛ زیرا بیشتر آنها مشتمل بر مضامین عالی از معارف الهی و تمجید و تنزیه حق تعالی و اظهار عجز و عبودیت از سوی بنده و درخواست اخلاق پسندیده و طلب توفیق برای اعمال نیک و تقاضای رفع بلیات و. . . است.

دردم نهفته به ز طبیبان مدّعی باشد که از خزانه غیبش دوا کنند(۳)

امام خمینی (قدس‌سره) در مقدمه وصیت‌نامه الهی -سیاسی‌شان می‌فرمایند:

ما مفتخریم که ادعیهٔ حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه و دعای عرفهٔ امام حسین بن

۱- صحیفهٔ مبارکه سجّادیه، دعای بیستم.

۲- مفاتیح الجنان، عباس قمی.

۳- حافظ.

ص:۳۹

علی (علیهماالسلام) و صحیفه سجّادیه، این زبور آل‌محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ماست.(۱)

الکسیس کارل، اندیشمند معروف فرانسوی که برنده دو جایزه نوبل است، درباره نیایش چنین می گوید:

نیایش همچون دم زدن، خوردن و آشامیدن از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت طبیعی سر می‌زند. خوردن، نمو کردن، تکثیر نسل و نیایش، چهار بعد اساسی روح انسان هستند؛ زیرا انسان واحدی است که نیمش ز آب و گِل، نیمش ز جان و دل. نیایش نه همچون تخدیر آرام‌بخش است، بلکه آرامشی که می‌بخشد، زائیده اشباع تشنگی و نیاز و اضطراب روح آدمی و پاسخ گفتن به کمبودهایی است که در عمق فطرت آدمی هست. این است که نیایش برخلاف تخدیر که به ضعف و مرگ منتهی می‌شود، نیروزا، نشاطانگیز و عامل شکفتگی احساس‌ها، عاطفه‌ها و استعدادهای مرموز درون روح آدمی است. . . .

حجاب چهره (۲)جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشنِ رضوان که مرغ آن چمنم(۳)

طبق روایت‌های معصومان (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که برای جلب رحمت پروردگار، «دو سبب» در کار است: یکی «عمل» و دیگر «دعا و سؤال» .

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶. ر. ک. : تفسیر سوره مبارکه حمد، صص ۷۹ - ۸۱.

۲- مقصود از چهره، تجلیات غیرماده در حال غیبت سالک است.

۳- حافظ.

ص:۴۰

اهل عمل، از باب «عدل» وارد می‌شوند و به «اجر» خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از باب «فضل» وارد و مشمول «رحمت» می‌شوند.

«ابن فهد حلی» در کتاب «عُدّهٔ الداعی» از کتاب دعای محمد بن حسن صفّار، روایتی را نقل کرده که سند آن به رسول خدا (ص) می‌رسد:

باید از خدا بخواهید تا به شما عطا کند؛ چه آنکه خدا را بندگانی است که عمل می‌کنند و خدا اجرشان را می‌دهد و بندگان دیگری دارد که با صدق و اخلاص از او سؤال می‌کنند [و از باب دعا وارد می‌شوند]. پس، خدا عطا می‌کند به ایشان و سرانجام، همه را در بهشت و دار سعادت، مجتمع می‌سازد. آن‌گاه دسته عاملین [با تعجب] می‌گویند: «پروردگارا! ما که مورد لطف و عنایت واقع شده‌ایم، نتیجه اعمال خوب ما بوده است. اما این دسته [که در عمل، قاصر بوده‌اند] از چه راه، به این درجه از کرامت و عطا رسیده‌اند؟» می‌فرماید: «بندگان من! شما کار خوب کرده و مزد خود را گرفته‌اید. بی‌کم و کاست هم گرفته‌اید. اما اینان به گدایی در خانه من آمده‌اند و دست سؤال، به سوی من دراز کرده‌اند [صورت مسکنت بر خاک ذلت نهاده و دست به دامن فضلم زده‌اند. من هم، دامن از دستشان نکشیده و محرومشان نکرده‌ام، بلکه مشمول فضلشان کرده و در طاق و رواق عزت و مکرمت، جایگزینشان ساخته‌ام]. پس به ایشان عطا کردم و آن، فضل من است که به هرکس بخواهم، می‌دهم» . (۱)

۱- عدّهٔ الداعی فارسی، ابن فهد حلی، ص ۲۸؛ شرح نهج‌البلاغه، ابوالقاسم خویی، ج ۴، ص۲۶۳.

ص:۴۱

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

یَدْخُلُ الجَنَّةَ رَجُلانِ کَانَا یَعْمَلانِ عَمَلًا وَاحِداً فَیَرَی أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ فَیَقُولُ یَا رَبِّ بِمَا أَعْطَیْتَهُ وَ کَانَ عَمَلُنَا وَاحِداً فَیَقُولُ اللهُ تَعَالَی سَأَلَنِی وَ لَمْ تَسْأَلْنِی ثُمَّ قَالَ سَلُوا اللهَ وَ أَجْزِلُوا فَإِنَّهُ لایَتَعَاظَمُهُ شَیْءٌ.(۱)

دو مرد، در بهشت درآینـد که هر دو، یک عمل انجام داده‌انـد: یکی از آن دو، ببینـد دیگری را که مرتبه‌اش بالاتر از اوست. گوید: «ای پروردگـار من! به چه چیز، او را این مرتبه و مقـام عطا فرمودی؟ حـال آنکه هر دو، دارای یـک عمـل بوده‌ایم» . خداونـد متعال می‌فرمایـد: «او از من سـؤال و درخـواست می‌کرد و تو نمی‌کردی» . سـپس رسول خـدا (ص) فرمود: «از خـدا سؤال و طلب کنیـد و بسیار هم طلب کنید؛ چه آنکه هیچ چیز نزد خدا، بزرگ نمی‌آید» .

امام صادق (ع) فرمود:

یَا مُیَسِّرُ ادْعُ وَلا تَقُلْ إِنَّ الأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْزِلَةً لاتُنَالُ إِلّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ یَسْأَلْ لَمْ‌یُعْطَ شَیْئاً فَسَلْ تُعْطَ یَا مُیَسِّرُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ بَابٍ یُقْرَعُ إِلّا یُوشِکُ أَنْ یُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ.(۲)

ای میسِّر! [اسم راوی است] دعا کن و مگو که کار تمام شده و مقدر گردیده است [و دیگر دعا فایده‌ای نخواهد داشت]. چه آنکه، نزد خـدا منزلتی هست که به آن، نایل نمی‌شوی، مگر از طریق دعا و سؤال و درخواست از خدا و اگر بنده‌ای، دهان خود را ببندد و از خدا نخواهد، چیزی به او داده نمی‌شود.

۱- شرح نهج البلاغه، خویی، ج ۴، ص ۲۶۳.

۲- کافی، ج۲، ص ۴۶۶.

ص:۴۲

پس بخواه تـا داده شوی. ای میسّر! مسلم آنکه هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آنکه به زودی، به روی کوبنده‌اش گشوده گردد.

گفت پیغمبر که گر کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری

عارفی را پرسیدند: «بدین در آمده‌ای، چه آورده‌ای؟» گفت: «گدایی که بر در خانه سلطان آید، از او نمی‌پرسند چه آورده‌ای، بلکه می‌گویند: ای گدای بینوا! چه می‌خواهی؟» .(۱)

گویند درویشی ژنده‌پوش، قصد رفتن به دربار پادشاه داشت. او را گفتند: «این لباس کهنه و چرکین، از تن بر کن و لباسی نو بپوش که این، مناسب مجلس سلطان نیست» . درویش گفت:

چه کنم که لباسی غیر این ندارم! با لباس پاره و چرکین به دربار شاهان رفتن، عیب نیست که درویش مسکین، لباسش همین است. چه کند بینوا همان دارد. اما عیب و ننگ آن است که با همان لباس پاره و چرکین، از خانه سلطان بیرون آید که این عمل، سزاوار شأن شاهان نیست.(۲)

حال، بنده بینوا اگر با جانی آلوده و ننگین از گناه، به درگاه خداوند ذوالمن و الکرم برود، عار نیست؛ زیرا حقیقت بنده شرمسار غرق در گناه، همین است. حال آنکه برگشتن از در خانه پروردگار بخشنده با همان جان آلوده و چهره شرمنده از گناه، منافی شأن پروردگار و در واقع، خلاف انتظار است.

۱- اسرار العبادات، قاضی سعید قمی، ص ۲۳۴.

۲- همان.

ص:۴۳

امام صادق (ع) فرمود:

دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدِرُّ الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ.(۱)

دعای مرد درباره برادر غایبش، روزی را فراوان و ناملایمات را برطرف می‌سازد.

علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده که ایشان گفت:

دیدم عبدالله بن جُندَب را در موقف عرفات، در حالتی که موقفی بهتر از موقف او ندیدم. در تمام مدت وقوف، دست‌هایش به جانب آسمان بلند بود و اشکش به صورتش می‌ریخت و به زمین می‌رسید، تا وقتی که مردم از عرفات بازگشتند. گفتم: «ای ابامحمد! من هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیدم» . گفت: «به خدا قسم، من دعا نکردم، مگر درباره برادران دینی‌ام و این برای آن بود که خبر داد مرا ابوالحسن موسی (ع) [امام موسی بن جعفر (علیهماالسلام)] که:

مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَکَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ فَکَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفٍ مَضْمُونَةٍ لِوَاحِدَةٍ لا أَدْرِی تُسْتَجَابُ أَمْ لا.(۲)

هر که دعا کند درباره برادر خود که غایب است، ندا از عرش می‌رسد که، از برای تو باشد صدهزار برابر این و لذا من سزاوار ندیدم که از دست بدهم صدهزار [حسنه یا دعای] ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا نه.

ابن ابی‌عمیر از زید نرسی روایت کرده که با معاویهٔ بن وهب در

۱- اصول کافی، ج۲، ص۵۰۷.

۲- همان؛ عُدة الداعی فارسی، ص ۱۳۶.

ص:۴۴

عرفات بودم و او دعا می کرد. در موقع دعا کردن دقت کردم، حتی یک کلمه برای خودش دعا نکرد. مردم شهرهای دوردست را با ذکر نام و نام پدرانشان دعا می کرد، تا اینکه مردم از عرفات بازگشتند. به او گفتم: «ای عمّ! از تو امر عجیبی دیدم» . گفت: «چیست آنچه تو را به تعجب آورده؟» گفتم: «اینکه در چنین موضعی، مردم را بر نفس خود اختیار کردی و اینکه یک‌یک آنها را در اینجا یاد کردی!» پس، به من گفت:

جای تعجب نـدارد ای پسر برادر من! به درستی که من شنیده‌ام از مولای خود و مولای تو و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای و او بعد از پدران بزرگوار خود که به خدا سوگند سید گذشتگان و آیندگان بود؛ و الّا کر باد هر دو گوشم و کور باد هر دو چشمم و نرسم به شفاعت محمـد (ص) ، اگر این سـخن را از امام (ع) نشـنیده باشم که: «هر که از برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند، فرشـته‌ای از آسمان دنیا ندا کند که ای بنده خدا! ۱۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست و او را فرشـته‌ای از آسمان دوم ندا کند که ای بنده خدا! ۲۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست، و او را فرشـته‌ای از آسـمان سوم ندا کند که ای بنده خدا! ۳۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان چهارم ندا کند که ای بنده خدا! ۴۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشـته‌ای از آسـمان پنجم نـدا کند که ای بنده خدا! ۵۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی تـو راست و او را فرشـته‌ای از آسـمان ششم ندا کند که ای بنده خدا! ۶۰۰هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشـته‌ای از آسمان هفتم ندا کند که ای بنده خدا! ۷۰۰ هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست.

ص:۴۵

بعـد از آن نـدا کنـد او را خـدای عزّوجل که منم غنی مطلق که اصـلاً احتیاج نـدارم. ای بنـده من! هزار هزار برابر آنچه طلب کردی برای تـوست. پس کـدام‌یک از ایـن دو امر عظیم بزرگ‌تر است ای پسـر برادر من؟ آنچه را من از برای نفس خـود اختیـار کردم، یا آنچه تو مرا به آن امر می‌کنی؟ !»(۱)

۳. اسباب استجابت دعا

اشاره

ای سر تو در سینه هر صاحب راز پیوسته در رحمت تو بر همه باز

هرکس که به درگاه تو آمد به نیاز محروم ز درگاه تو کی گردد باز(۲)

در کتاب عدهٔ الداعی، اسبابی جهت استجابت دعا نوشته شده که در این قسمت، در هفت عنوان آن را ارائه می‌کنیم:(۳)

الف) زمان دعا

از امام باقر (ع) روایت شده است:

خـدای تعالی، هر شب جمعه از اول شب تا آخر از بالای عرش ندا می‌کند: «آیا بندهٔ مؤمنی نیست که بخواند مرا و قبل از طلوع فجر برای دین یا دنیای خود دعا کنـد تا او را اجابت کنم؟ آیا بنـدهٔ مؤمنی نیست که قبل از طلوع فجر، توبه کند و از گناهش به‌سوی من بازگردد تا توبهٔ او را بپذیرم؟ آیا

۱- عُدَّةُ الدّاعی فارسی، ص ۱۳۶.

۲- . شیخ ابوسعید ابوالخیر.

۳- محتوای ذیل این عنوان، تلخیص از باب دوم کتاب عدهٔ الداعی با عنوان «و اسباب اجابت دعا» است. ر. ک: ص۹۴ .

ص:۴۶

بنـدهٔ مؤمنی نیست که روزی بر او تنگ شـده باشد و قبل از روشن شدن روز از من درخواست زیادهٔ رزقش کند تا روزی او را زیاد کنم و بر او وسـعت دهم؟ آیا بنـدهٔ مؤمن بیماری نیست که از من قبل از ظاهر شـدن صـبح، شـفای خود را سؤال کند تا او را عافیت بخشم؟ آیـا بنـده مؤمن محبوس مغمومی نیست که از من سؤال کنـد تـا از زنـدان آزادش کنم و راهش را بـاز کنم؟ آیا بنـدهٔ مؤمن مظلومی نیست که قبل از طلوع فجر از من بخواهد که برای او آنچه به ظلم از او گرفته‌اند، بگیرم و او را نصرت دهم؟»

پس فرمود: «خدای تعالی دائماً به این کلمات ندا می‌کند تا آنکه فجر طالع شود» .(۱)

در روایت است که بنده مؤمن از خدا حاجت می‌خواهد و خدای عزّوجلّ قضای حاجت او را تا روز جمعه به تأخیر می‌اندازد.(۲)

از حضـرت صادق (ع) روایت شده که حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم» . فرمود: «آن را به تأخیر انداخت تا سحر شب جمعه شد» .(۳)

در حدیثی از حضرت رضا (ع) روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود:

خداونـد تبارک‌وتعـالی در ثلـث آخر هر شـب و در شـب جمعه از اول شب، ملکی را به آسـمان دنیـا فرو می‌فرسـتد که گویـد: «آیا سؤال‌کننده‌ای هست که

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲- نصایح، ترجمه: مواعظ العددیه، علی مشکینی، ص۲۹۵.

۳- همان.

ص:۴۷

خواسته‌اش را به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننـده‌ای هست که توبه او را بپذیرم؟ آیا اسـتغفارکننده‌ای هست که او را بیامرزم؟» ای طالب خیر! روی آر. ای طالب شـرا! کوتاه کن و پیوسته ندا می‌کند به این کلمات تا فجر طالع شود. آن‌گاه به محلّ خود از ملکوت آسمان بازمی‌گردد.

سپس فرمود: «این حدیث را پدرم از جدم و او از پدرانش و آنان از رسول خدا (ص) به من روایت کرد» .(۱)

گَل مراد تو آن‌گه مراد بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد

گدایی در میخانه طرفه اکسیری‌است گراین عمل بکنی، خاک، زر توانی‌کرد

به عزم مرحلهٔ عشق پیش نه قدمی که سودها کنی ار این سفر توانی کرد(۲)

ب) مکان دعا

از دیگر اسـباب دعـا، مکـان دعـاست. در روایتی آمـده که خـدای تعـالی در روز عرفه، به ملائکه می‌فرمایـد: «ای فرشـتگان من! آیا غلامان و کنیزان مرا که آمده‌انـد از اطراف بلاد پراکنـده و غبارآلود نمی‌بینیـد؟ آیا می‌دانیـد چه می‌خواهنـد؟» گوینـد: «پروردگارا! آنها از تو آمرزش می‌خواهند» . پس حق‌تعالی فرماید: «شما را شاهد می‌گیرم که آنها را آمرزیدم» .

و نیز روایت شده که بعضی از گناهان است که بخشیده نمی‌شوند، مگر به عرفات و مشعرالحرام. خدای تعالی فرموده است:

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۱۴.

۲- حافظ.

ص:۴۸

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّالِّينَ (بقره:۱۹۸)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی] در ایام حج بهره گیرید (از منافع حج، پی‌ریزی اقتصادی صحیح اسلامی است) . و هنگامی که از «عرفات» کوچیدید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت کرد و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

یکی از اماکن دعا، بلکه اشرف مکان‌ها، نزد قبر امام حسین (ع) است. روایت شده که خدای تعالی عوض شهادت، چهار چیز به امام‌حسین (ع) عطا فرموده است:

یکی آنکه شفا را در تربتش قرار داده است؛ دیگر اجابت دعا را زیر گنبدش و امامت را در ذریه‌اش و اینکه روزهایی را که زائران قبرش او را زیارت می‌کنند، از عمرشان محسوب نمی‌شود.(۱)

ج) اسم اعظم

از دیگر اسباب استجابت دعا، دعایی است که متضمن اسم اعظم باشد و آن را کسی به عینه و به‌طور قطع نمی‌داند، مگر شخصی که خدای تعالی او را (از انبیا و اولیای خدا) بر آن اطلاع داده باشد.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۴۲۳.

۲- ر. ك: تفسیر دعای سحر، امام خمینی، \ ص۱۵۸.

ص:۴۹

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبی–س و حی––ل، دیو مس–لمان نشود(۱)

د) ترکیب دعا و زمان خاص

مانند دعای سمات که در آخرین ساعت روز جمعه خوانده می‌شود.

ه) ترکیب دعا و مکان خاص

ماننـد ادعیه واردهو زیارات مأثوره که با قرائت آن، مزار ائمّه اطهار را زیارت می‌کنیم. نیایش عرفه در سـرزمین عرفات، مصـداق تام خواندن دعا در زمان و مکانی خاص است.

و) ترکیب دعا با عمل خاص

امیرمؤمنـان (ع) می‌فرمایـد: «رسول‌خـدا (ص) فرمود: کسـی که برای خـدا نمـاز واجب را به‌جـای آورد، در دنبال آن دعا مسـتجاب می‌شود» .(۲)

۴. آداب نیایش

الف) دعای با گریه

دل سنگین تو را اشک من آورد به‌راه سنگ را سیل تواند به‌لب دریا برد(۳)

یکی از مهم‌ترین آداب و مقارنات نیایش، همراه بودن آن با

۱- حافظ.

۲- صحیفهٔ الرضا، ص ۴۲.

۳- حافظ.

ص:۵۰

گریستن است. در نیایش عرفه نیز همان‌گونه که ذکر خواهد شد، اباعبدالله الحسین (ع) ، بخشی از دعا را در حال گریه و تضرع بیان می‌فرماید. امام‌علی (ع) فرمود:

گریه و ترس از خدا، یکی از احسان‌ها و رحمت‌های خداست. اگر دارای آن شدید، مغتنم بشمارید و دعا کنید که اگر در یک ملت و جمعیتی کسی بگرید، خداوند بر تمام آن ملت ترحم می‌فرماید.(۱)

گریه، باارزش‌ترین سرمایهٔ عارفان واصل است. از همین روست که در مناجات چنین می‌خوانیم که:

ارْحم مَن رأسُ مالِهِ الرّجاءُ وَ سِلاحُهُ البُکاء. (۲)

مورد مهربانی خود قرار ده کسی را که سرمایه‌اش امید، و ساز و برگش گریه است.

امام صادق (ع) درباره ارزش چشم گریان، می‌فرماید:

هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است، مگر چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و هیچ چشمی نیست که از ترس خدای عزّوجلّ به اشک خود پر شود، جز اینکه خدای عزّوجلّ همه آن بدن را به آتش دوزخ حرام گرداند و آن اشک، بر گونه‌ای روان نگردد که گرد پریشانی و خواری ببیند و هیچ چیزی نیست، جز اینکه پیمانه و وزنی دارد، مگر اشک که همانا خدای عزّوجلّ به اندکی از آن دریاهایی از آتش را خاموش

۱- مکارم‌الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ج۲، ص۱۱۱.

۲- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

ص:۵۱

کند. پس اگر بنده‌ای در میان یک امتی بگرید، خدای عزّوجلّ به خاطر گریه آن بنده، به همه آن امت رحم کند. (۱)

گریه بر هر درد بی‌درمان دواست چشم گریان چشمهٔ فیض خداست

حضرت شعیب (ع) ، از دوستی خداوند آن‌قدر گریست تا نابینا شد. ولی خداوند او را بینا ساخت. دوباره گریست تا نابینا شد. خداوند او را بینا کرد تا سه‌مرتبه. در مرتبه چهارم، وحی شد که ای شعیب! اگر گریه تو از خوف جهنم است، از آن ایمن باش و اگر از شوق بهشت است، به تو عطا کردیم. عرض کرد: «الهی! برای محبت توست» . خطاب شد: «چون از این جهت می‌باشد، به‌زودی کلیم خود، موسی را به خدمت‌گزاری و شبانی تو خواهیم فرستاد» .(۲)

امام باقر (ع) فرمود:

هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر نیست از آن قطرهٔ اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری به آن منظور نباشد.(۳)

ای خوشا تاریکی و اشک روان ای خوشا اشک روان عاشقان

جان فدای عاشقی کو نیمه‌شب دیده گریان، اشک ریزان، خشک‌لب

گاه بر بار گناهان، اشک‌ریز گه بود در فکر روز رستخیز(۴)

۱- اصول کافی، ج۴، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۳- اصول کافی، ج۴، ص۲۳۴؛ بحارلانوار، ج۱۲، ص ۳۸۰.

۴- مولوی.

ص:۵۲

ب) دعای با توجه

تضرع و ابتهال باید با توجه و حضور قلب و رعایت حد دعا باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَ-رُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف:۵۵)

پروردگار خود را از روی تضرّع و در پنهانی بخوانید و از تجاوز دست بردارید که او متجاوزان را دوست ندارد.

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَكُنْ مِنَ الْغافِلِينَ (اعراف:۲۰۵)

و پروردگارت را در درون خود از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یادکن و از غافلان مباش.

مفسّران بزرگوار فرموده‌اند:

خُفْیَهً به معنای خوانـدن به صورت آهسـته و آرام در پنهانی است و اگر کسـی هنگام دعا فریاد کشـید، متعـدی است و از حـد دعا تجاوز کرده است؛ زیرا خداوند، موجود دوری نیست.

در قرآن می‌خوانیم:

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل‌عمران:۸)

پروردگـارا دل‌هایمان را بعـد از آنکه ما را هـدایت کردی، از راه حق منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده‌ای.

ص:۵۳

روایت شده که امیر مؤمنان (ع) فرموده:

الدُّعَاءُ مَفَاتِیحُ النَّجاحِ وَ مَقَالِیدُ الْفَلاحِ وَ خَیرُ الدُّعاءِ ما صَدَرَ عنْ صَدْرٍ نَقیٍّ وَ قَلْبٍ تَقیٍّ وَ فی الْمنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَ بِالإِخْلاصِ یَکُونُ الخَلاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَزَعُ فَإِلَی اللهِ المَفْزَعُ.(۱)

دعا کلیـدهای نجات و گنجینه‌های رسـتگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از سـینه پاک و دلی پرهیزگار برآیـد و وسـیله نجات در مناجات است و خلاصی به اخلاص آید و چون فزع و بی‌تابی سخت شود، مفزع و پناه‌گاه خداست.

اهل عمل، از راه عـدل وارد می‌شوند و به اجر و پاداش خود می‌رسـند. اما اهل دعا و سؤال از راه فضل وارد و مشـمول رحمت الهی می‌شوند.

حضوری گرهمی خواهی از او غافل مشو حافظ مَتی ماتَلـْقَ مَنْ تَهْوی دَعِ الدُّنْیا وَأَهْمِلْها

ج) اعتراف به تقصیر

در مورد کوتاهی‌کردن در عبادت و نیایش می‌توان به روایت‌های زیر اشاره کرد:

موسی بن جعفر (ع) به یکی از فرزندانش فرمود:

یا بُنَی عَلَیک بِالْجِدِّ لا تُخْرِجَنَّ نَفسَک مِنْ حَدِّ التَّقصیرِ فِی عِبَادَةِ اللهِ

۱- اصول کافی، ج۴، ص ۲۱۳.

ص:۵۴

عَزَّوَجَلَّ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللهَ لایُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.(۱)

پسر جانم! همواره کوشش کن، مبادا خودت را در عبادت و طاعت خدای عزّوجلّ بی‌تقصیر دانی؛ زیرا خدا چنان‌که شایسته است، پرستش نشود.

جابر گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «

یا جَابِرُ لا أَخْرَجَکَ اللهُ مِنَ النَّقْصِ وَ [لا] التَّقْصِیرِ »(۲)؛ «ای جابر! خدا تو را از کاستی و تقصیر بیرون نبرد» .

[یکی از علمای کوفه گوید: «یعنی خدا توفیقت دهد که همیشه عبادتت را ناقص و خود را مقصر دانی» .]

حضرت ابوالحسن (ع) فرمود:

إِنَّ رَجُلا فِی بَنِی‌إِسْرَائِیلَ عَبَدَاللهَ أَرْبَعِینَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَاناً فَلَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِیتُ إِلّا مِنْکِ وَ مَا الذَّنْبُ إِلّا لَکِ.

مردی در بنی‌اسرائیل چهل‌سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد. با خود گفت: «این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو، گناهکار نیست» .

سپس فرمود:

فَأَوْحَی اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِلَیهِ ذَمُّکَ لِنَفْسِکَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِکَ أَرْبَعِینَ سَنَةً. (۳)

خدای تبارک و تعالی به او وحی نمود که نکوهشی که از خود کردی، از عبادت چهل سال بهتر بود.

۱- اصول کافی، ج۳، ص۱۱۶.

۲- همان.

۳- همان.

ص:۵۵

همچنین فضل بن یونس از حضرت ابوالحسن (ع) نقل می کند که فرمود: بسیار بگو: «بار خدایا! مرا از عاریه‌داران ایمان قرار مده و از تقصیر بیرون مبر» . عرض کردم:

معنای عاریه‌داران را می‌دانم که مردی دین را به‌طور عاریه می گیرد و سپس از آن خارج می‌شود [چون دینش مستقر و ثابت نبوده، پس از اندکی کافر و بی‌دین شود] معنای مرا از تقصیر بیرون مبر، چیست؟

حضرت فرمود:

هر عملی که به مقصد خدای عزّوجلّ می کنی، خود را در آن مقصر شناس؛ زیرا مردم همگی در اعمال خویش میان خود و خدا مقصرند، جز آن که را خدای عزّوجلّ نگهداری کند [که انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) باشند؛ زیرا ایشان در شرایط عبادت به اندازه امکان کوتاهی نکنند، اگرچه برای اظهار عجز و نقصان، خود را مقصر دانند]. (۱)

بنده همان به که ز تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد ور نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

۱- اصول کافی، ج۳، ص۱۱۷.

ص:۵۶

ص:۵۷

گفتار سوم: مهمترین نیایشهای وارده در روز عرفه

۱. نیایش عرفهحضرت اباعبدالله الحسین (ع)

اشاره

شاه دین گفتا که من از خویشتن دل برگرفتم چون خود از دل برگرفتم، یک جهان دلبر گرفتم

الف) مضمون عرفانی نیایش عرفهٔ اباعبداللّه الحسین (ع)

دعـای عرفـه، آکنـده از مفـاهیم، ارزشـهای قرآنی و تعـالیم آسـمانی اسـت. بـا خوانـدن دعـای عرفـه، درمییـابیم کـه چه مقـدار ائمه (علیهم‌السـلام) بـا قرآن مـأنوس بـوده و چگـونه بـا مکتـب دعـا، انسـان را هـدایت و راهـبری می‌کننـد. ایـن دعـا، بیـانگر راز و نیـاز عاشقانهسرور آزادگان عالم با محبوب و معبودِ یکتاست و متضمن گوهرهای ارزشمندی است که به انسان، روح

ص:۵۸

حیات میبخشد.

درباره دعای شریف عرفه، سند و مضمون کلی آن، باید بگوییم که این دعا، طبق منابع روایی ما، از سید عارفان و اسوه‌کامل آزادی‌خواهان عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ، در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، صادر شده است. در سرتاسر این دعای پر فیض، بندگی، ایثار، شهامت، شجاعت، کمال، علم، حلم، تواضع و اخلاص گویندهٔ آن موج می‌زند. بشر و بشیر، فرزندان غالب اسدی، روایت کرده‌اند:

حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) عصر روز عرفه، به حالت خشوع و تواضع از خیمه‌اش خارج شد و آرام آرام قدم برمیداشت، تا اینکه او و گروهی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فرزندان و دوستانش، در سمت چپ کوه «جبل‌الرحمهٔ» رو به قبله ایستادند. سپس امام (ع) ، مانند فقیری که درخواست غذا می‌کند، دستانش را در برابر صورتش بلند کرد و سپس دعا را ذکر فرمود.(۱)

و چه دعای با مُسمایی است دعای عرفه! این دعای شریف (فراز اول دعای عرفه) یکی از نشانه‌های روح حماسی و بزرگ حضرت اباعبدالله (ع) است.

فرازهای نیایش عرفه امام حسین (ع) ، به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. شناخت حق‌تعالی؛

۲. تجدید عهد و میثاق با خدا؛

۳. خودشناسی؛

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۲.

ص:۵۹

۴. راز آفرینش؛

۵. تربیت انسان در دانشگاه الهی؛

۶. نعمت‌های خداوند؛

۷. شهادت به بی‌کرانی نعمت‌های الهی؛

۸. ناتوانی بشر از به‌جا آوردن شکر الهی؛

۹. دور کردن صفت نکوهیده از خود با تسبیح پروردگار؛

۱۰. خواسته‌های یک انسان متعالی؛

۱۱. شناخت و درخواست بهترین مسئلت‌ها؛

۱۲. درخواست نیازهای تربیتی از خدا؛

۱۳. شکایت به پیشگاه خداوند؛

۱۴. مربی پیامبران و فرستنده کُتب آسمانی؛

۱۵. لطف الهی به پیام آوران رحمت الهی؛

۱۶. گنه بینی و لطف خداوندگار؛

۱۷. مقایسه‌ای میان اعمال ما و رفتار خدا؛

۱۸. اقرار و اعتراف به الطاف الهی؛

۱۹. اعتراف به گناه خویش؛

۲۰. اظهار شرمندگی؛

۲۱. ثنای پروردگار؛

۲۲. حاجت خواهی؛

۲۳. درخواست بهترین عطایا؛

ص:۶۰

۲۴. گسترش رحمت الهی؛

۲۵. گسترش علم، توانایی و رأفت الهی؛

۲۶. توجه به خدا به‌وسیله پیامبر (ص) ؛

۲۷. تسبیح کائنات؛

۲۸. روزی حلال و نعمت سلامتی.

ب) سند نیایش

این دعای با عظمت که در توحید و خداشناسی بینظیر است، توسط سرور شهیدان عالم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) قرائت و انشاء شده است و در بلاغت لفظ و علو معنا مشهور است و آن را باید از ادله امامت و ولایت حضرتش شمرد. این دعا را بشیر و بشر، پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند و چنان‌که از قرائن برمی‌آید، این دو نفر خود، مردانی سخن‌شناس، خردمند و هوشیار بوده‌اند. شیخ بشیر اسدی را در رِجال، از اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شمرده‌اند؛ هرچند ضبط و نقل این دعا، خود دلیل روشنی بر خردمندی و سخن‌شناسی وی است.

خطبه حضرت زینب۳ در کوفه را نیز او نقل کرده است؛ همان خطبه‌ای که بر بلیغ‌ترین خطیبان عالم طعن می‌زنند؛ تا جایی که خود بشیر، از بیان حد بلاغت آن عاجز می‌ماند و بهتر از این بیان نمی‌یابد؛ بیانی که در نهایت، به کلام امیرمؤمنان (ع) (۱)تشبیه می‌شود. باری بشیر

۱- کَاَنَّما تَنْطِقُ وَ تُفْرِغُ عَنْ لِسانِ اَمیرالمُؤمِنینَ۷.

ص:۶۱

راوی دعای عرفه، شیفته سخنان بلیغ آن حضرت بود. خُزیم بن بشیر که خطبه حضرت زین‌العابدین (ع) از او روایت شده، همان بشر بن خزیم است که به تصحیف، نام او و پدرش مقدم و مؤخر شده است.

مرحوم شیخ کفعمی دعای عرفهامام حسین (ع) را در بلدالامین نقل فرموده و به ظاهر شیخ هم از سید بن طاووس آن را نقل کرده و راوی آن بِشر و بَشیر فرزندان غالب اسدی هستند که اصل دعا را روایت کرده‌اند. در کتابخانهآستان قدس رضوی (ع) نسخه قدیمی و مُعتبر از اقبال موجود است با زیادت، ولی کفعمی آن را نقل نکرده، شاید برای آنکه در نسخهٔ وی، این زیادت نبوده و من خود بعضی نسخ اقبال را دیدم که سقط بسیار داشت و چند فراز از آن حذف شده بود.

از جهت معنا، ضعفی در آن مشاهده نمی‌شود و از جهت لفظ و بلاغت نیز اگر چند کلمه بدان جَزالت (۱)نباشد که در اول دعاست، احتمال اختلاف نسخه و تصرف سهوی روات بعید نمی‌نماید؛ چنان‌که در اول دعا تغییر و زیاده و نقصان و اختلاف میان نسخِ اقبال و بلدالامین موجود است. علامه مجلسی (رحمه‌الله) در زادالمعاد، این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد فرموده است.

چون طبق اصل معروف «

دلالته‌تغنی عن السند » ، گاهی مفهوم و محتوای حدیث به قدری با عظمت و مطابق اصول است که به سند نیازی نخواهد داشت.

۱- بزرگی، خوبی، فراوانی، استواری، فصاحت و روانی سخن. فرهنگ عمید .

ص:۶۲

بدیهی است که نظیر مضامین این نیایش در عالی‌ترین درجه حکمت و عرفان اسلامی را هیچ کسی، جز انبیای عظام و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نمی‌تواند بیان کند.

در زمینه حدیث‌شناسی و رجال، القای شبهه در مورد زیادتی که در بعضی نسخ آمده مسموع نیست؛ به‌ویژه اینکه امام خمینی (رحمه‌الله) پس از رد کلام محقق قونوی، می‌فرماید:

لَیسَ عِنْدَ الْعُرَفاءِ الْکامِلینَ بِشَیءٍ بَلْ ما تُوُهِّمَ أنَّهُ مِنْ کَلِماتِ الأولیاءِ الشّامِخینَ عَنْدَهُمْ فاسِد.(۱)

اشکال محقق قونوی نزد عرفای کامل قابل اعتبار نیست و آنچه از دعای عرفه امام حسین (ع) را که گمان کرده از سخنان عرفای بزرگ [اسلام] است، قابل قبول نیست.

با استناد به فرازی از زیادتی دعای عرفه و اسناد صریح آن به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با استدلال و نقل این عبارت از زیادتی دعا: «

قال مَولانا أبوعبدالله الحُسَین (ع) فِی دُعاءِ عَرَفه: ألِغَیرِکَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَیسَ لَکَ، صَدَقَ وَلی الله رُوحی لَهُ الْفِداء » ؛ «اباعبدالله الحسین در دعای عرفه فرمود: آیا برای غیر تو ظهوری است درحالی‌که آن چیز از تو نباشد» دیگر جای هیچ‌گونه ابهامی در انتساب صدور زیادتی دعا به آن حضرت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، مرحوم سید بن طاووس (رحمه‌الله) در اقبال، پس از ذکر «

یا ربِّ یا ربِّ یا ربِّ » زیادتی را بیان فرمود.

۱- مصباح الهدایهٔ الی الخلافهٔ والولایهٔ، امام خمینی، ص۶۶.

ص:۶۳

۲. نیایش عرفه امام سجاد (ع)

الف) اهمیت صحیفه مبارکه سجّادیه

این کتاب شریف، معروف به «صحیفه کامله» و «زبور (۱)آل‌محمّد (ص)» و «انجیل(۲)اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» است که باید همه مسلمانها به وجود آن افتخار کنند؛ چنانکه شرح آن نیز به نام «ریاض‌السّالکین» تألیف سید اجل سید علیخان از آثار ممتاز و پرفایده و در نوع خود بینظیر است. زعیم امامیه، معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در مورد این مائده‌آسمانی می‌فرماید:

صحیفه کامله سجّادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات [های] عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشّأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. . . . این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه‌گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده میکند. این کتاب همچون قرآن الهی، اَدَقّ معارف غیبی است که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل میشود و در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است.(۳)

۱- محتوای زبور حضرت داود۷ نیایش و مناجات است.

۲- انجیل حضرت عیسی۷ بیشتر دربردارندهٔ مواعظ آن حضرت است.

۳- صحیفه نور، امام خمینی قدس‌سره ، ج۲۱، ص۲۰۹.

ص:۶۴

بیاییم با هم فروتنانه، بر سر سفرهجاودانه صحیفهسجّادیه بنشینیم و در برابر علی‌ثانی، زین‌العابدین (ع) زانو بزنیم و به سخنان گهربارش گوش جان بسپاریم که سخن یار شنیدن از زبان معشوق، بسی شیرینتر و دل‌چسبتر و بیگمان، مؤثّرتر خواهد بود.

صحیفه سجّادیه، پس از قرآن کریم و نهج البلاغه باعظمت‌ترین کتاب است که کلمات پرمحتوایش، خود معرّف ارزش خویش است. این‌چنین واژهها و الفاظ والایی (که تالی تلو کتاب خداست) ، جز از زبان معصوم تراوش نکند.

در سال ۱۳۵۳ه. . ق روزی که نسخهای از این کتاب (صحیفه مبارکه سجّادیه) را مرجع فقید مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه‌الله) برای مفتی بزرگ اهل سنت در مصر «شیخ طنطاوی جوهری» ، مؤلّف و صاحب «تفسیر الجواهر» (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد، ایشان پس از تشکر از دریافت این هدیهگران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ، چنین اقرار کرد:

این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از مواریث نبوت و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است، دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق مییابم. ۱

برادران اهل سنّت، آن هم قشر دانشمندانشان، از اینکه صحیفه را

۱) . صحیفه سجادیه، ترجمه: سید صدرالدّین بلاغی، ص۳۷؛ ر. ک: مقدمه الصحیفهٔ السّجادیهٔ، مدیر کاظم شانه‌چی، ص۵۰.

ص:۶۵

ندیده و نشناخته بودند، آن را از بدبختی خود می‌دانستند. نکند ما با داشتن صحیفه و مهجور ماندن از این مائده الهی، بدبختتر از آنها باشیم. ویژگی صحیفه کامله سجّادیه که از دو لب نازنین امام سجاد (ع) صادر شده، این است که هر مراجعه‌کننده بی‌غرضی را به مراتبی از عرفان و عشق به خداوند تبارک و تعالی می‌رساند که دیگر تا پایان عمر حاضر نیست دست از آن بردارد و همچنان بدان عشق ورزیده و با آن انس می گیرد.

ازاینرو، بهترین کتابها در حوزه دعا به رشته تحریر درآمده‌اند و کامل‌ترین آنها را نیز بزرگان و دانشمندان شیعه تألیف و تدوین کرده‌اند و به پیش گاه سحرخیزان کامروا و موحدان دردمند و یکهتازان عرصهتوحید و عبادت و نیایش عرضه داشتهاند.

ب) نیایش عرفه صحیفه مبارکه سجّادیه

در آموزه‌های دینی به خواندن چهل و هفتمین نیایش صحیفه مبارکه سجّادیه در روز عرفه، سفارش شده است. این نیایش، در بردارنده راز و نیازهای عالمانه، عارفانه و عاشقانه امام سجاد (ع) است؛ مهم‌ترین مفاهیم این نیایش عبارت‌اند از:

۱. حمد خداوند؛

۲. شناخت پروردگار؛

۳. شکر خداوند؛

۴. صلوات بر محمّد و آل محمّد؛

ص:۶۶

۵. دعا برای امام عصر (عج) ؛

۶. اعتراف به نعمت‌های الهی و استغفار از گناهان؛

۷. درخواست‌های یک انسان متعالی از پیش‌گاه خداوند.(۱)

همه فضیلت‌های احصا شده برای روز عرفه و سفارش‌های مکرر و جدی بر کوشش و فیض بردن هر چه بیشتر و بهتر از این روز مبارک، روز عرفه را به نماد نیایش مخلوق با خالق خود مبدل ساخته است و به همین دلیل، ما نیز این بخش را «عرفه، روز نیایش» نام نهادیم.

۱- تجلّی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، ص۴۳۵.

ص:۶۷

بخش دوم: عرفات سرزمین عشق

اشاره

ص:۶۸

ص:۶۹

گفتار اول: جایگاه سرزمین عرفات

۱. موقعیت جغرافیایی سرزمین عرفات

«عرفات» ، از ریشه «عَرَفَ» گرفته شده و به گفته راغب: «بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است» . (۱)این کلمه، اسمی مفرد است که در لفظ، به صورت جمع آمده، ولی جمع بسته نمی‌شود و شاید دلیل آن تفکیک‌ناپذیری اماکن باشد و با این استعمال، گویی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند.(۲)

«فرّاء» می‌گوید: «عرفات اگرچه به صورت جمع آمده، لیکن معرفه است و دلیل معرفه بودنش نیز آن است که الف و لام بر آن داخل نشود» .(۳)

«اخفش» نیز گفته است:

۱- تاج العروس، الحسینی الواسطی الزّبیدی الحنفی، ج ۲۴، ص ۱۳۳.

۲- همان، ص ۱۳۸.

۳- همان.

ص:۷۰

عرفات بدان‌جهت منصرف است که تاء را به منزله یاء و واو در مُسلِمین و مُسلِمُون و تنوین را به منزله نون قرار داده‌اند و آن‌گاه که به صورت اسم استعمال گردد، اعراب آن به همان حال باقی می‌ماند.(۱)

«جوهری» نیز چنین می‌گوید: «این گفته مردم «نَزَلْنا عَرَفَةَ» و عرفه به‌صورت مفرد آمده، این استعمال همچون «مُوَلَّدٍ» است و عربی خالص و محض نمی‌باشد» .(۲)

عرفات سرزمین پهناور و همواری است که هجده کیلومتر مربع مساحت دارد (۳)و امروزه، در فاصله تقریبی ۲۱ کیلومتری شرق (جنوب شرقی) مکه واقع شده است.(۴)برخی فاصله را حدود دوازده میل نوشته‌اند.(۵)«ازرقی» و برخی دیگر، طول و عرض آن را دو میل در دو میل ذکر کرده‌اند.(۶)این مکان، دورترین موقف از مواقف و مشاعر حج است که در عین حال، وسیع‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود(۷)، و تنها موقفی است که خارج از محدوده حرم قرار دارد. (۸)سه طرف این

۱- تاج العروس، ج ۲۴، ص ۱۳۸.

۲- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۷؛ ر. ک: حج در اندیشه اسلامی، ص ۲۲۴.

۳- اشهر المساجد فی الاسلام، سیدعبدالمجید بکر، ج ۱، ص ۱۳۱.

۴- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۶، ص ۷۵.

۵- المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ص ۴۷۱؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۳۹۵۰ به نقل از: مقدمه لغت میرسید شریف جرجانی .

۶- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴؛ مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۴۴ و ۳۳۵.

۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵.

۸- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۸۲؛ معالم مکة التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۳.

ص:۷۱

سرزمین را سلسله کوهی به نام «جبل عرفات» احاطه کرده است. (۱)این سلسله، قوسی را به‌وجود آورده که وتر آن را «وادی عرنه» تشکیل داده است.(۲)

در شمال شرقی عرفات، کوهی بلند و قهوه‌ای‌رنگ به نام «جبل سعد» قرار گرفته که بر محل وقوف اشراف دارد. (۳)در سمت طلوع خورشید، کوه بلند دیگری واقع شده که از آن، به «جبل ملحه» یاد می‌شود که این، از جهت بلندی و ارتفاع، کوتاه‌تر از کوه سعد است و رنگش به سرخ و سفید با رگه‌های سیاه متمایل است. کوه ملحه، از ناحیه شرق تا جنوب عرفات - که راه طائف در آن قرار گرفته - امتداد دارد.(۴)در قسمت جنوب، سلسله کوه‌های سیاهی واقع شده که بارزترین آنها «ام الرضوم» است (۵)و در ناحیهٔ مغرب و شمال غربی آن، وادی عرنه قرار دارد که خارج از محدوده وقوف است. (۶)

عرفات که خود بین مکه و طائف قرار گرفته(۷)، از جنوب به «وادی‌نعمان» متصل است که تا وادی عرنه در جنوب غربی،

۱- مرآة الحرمین، ایوب صبری پاشا، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲- همان؛ معالم مکهٔ التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۲؛ اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۵؛ معالم مکهٔ التاریخیه و الاثریه، ص ۱۸۲.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

ص:۷۲

امتداد دارد. (۱)

در وادی نعمـان، مزرعه‌های حاصـلخیز و زیبایی است؛ تا جایی که شاعران نیز به مدیحه‌سـرایی آن پرداخته‌انـد. (۲)سعید بن جبیر به نقل از ابن‌عباس روایت کرده که در این مکان از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفته شد.(۳)

در مورد حدود و مرز عرفات از ابوبصیر و معاویهٔ بن عمار از امام‌جعفر صادق (ع) چنین نقل شده است: « وَ حَدُّ عَرَفاتٍ مِنَ المَأْزِمَیْنِ اِلی أَقْصَی المَوْقِفِ»(۴)؛ «حد عرفات از مأزمان تا آخرین جای وقوف است» .

در روایتی دیگر از معاویهٔ بن عمار به نقل از آن حضرت آمده است:

وَحَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرَنَةَ وَثَوِیَّةَ وَنَمِرَةَ اِلی ذِی‌المَجازِ، وَخَلْفَ الجَبَلِ مَوْقِفٌ.(۵)

حد عرفه از بطن عرنه و ثویه و نمره تا ذوالمجاز است و پشت کوه «جبل‌الرحمه» موقف است.

سماعهٔ بن مِهران نیز از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است:

. . . وَاتَّقِ الأَراکَ وَنَمِرَةَ وَ هِی بَطْنُ عُرَنَةَ وَثَوِیَّةَ وَذَا المَجازِ، فَاِنَّهُ لَیْسَ

۱- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۷۰.

۳- همان.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۰.

۵- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱.

ص:۷۳

مِنْ عَرَفَةَ. (۱)

از وقوف در اراک و نمره که بطن عرنه است و ثویه و ذوالمجاز بپرهیز که آنها از عرفات شمرده نمی‌شوند.

حجاج حرم امن الهی، از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه، در آنجا حضور می‌یابند که این امر در اصطلاح فقهی، «وقوف در عرفات» نامیده می‌شود. اهمیت این رکن حج تا آنجاست که در روایات آمده: «اساس حج، همان عرفه و عرفات است» .(۲)

زائر آن‌گاه که عزم حج تمتع دارد، روز هشتم از مکه محرم می‌شود و آهنگ عرفات میکند که از ظهر روز عرفه تا غروب، قصد وقوف کند و سپس، عازم مشعر شده و بین‌الطّلوعین را در «مُزدَلَفه» وقوف کند و آن‌گاه برای اعمال روز دهم، یازدهم و دوازدهم به‌سوی مِنا رهسپار شود.

عرفات دشت پهناوری است که روز نهم ذی‌الحجه، تمامی حاجیان را در خود جای میدهد. این سرزمین مقدس در اعماق تاریخ خاطره‌ها دارد. حضرت آدم (ع) در اینجا به خطا و ترک اولی اعتراف میکند و خدا او را مشمول آمرزش خود قرار میدهد و غروب آن روز، مشمول رحمت الهی میشود.

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵؛ ر. ک: اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص۱۹۴؛ اخبار مکه، فاکهی، ج۵، ص ۷؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴؛ کتاب المناسک لاماکن طرق الحج، ص ۵۱۰؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۷۳.

۲- عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۹۳.

ص:۷۴

از امـام کـاظم (ع) سؤال شـد: «آیا وقوف بر جبل‌الرحمه در نظر شـما محبوب‌تر است یا وقوف در دامنه و زمین‌های پایین کوه؟» آن حضرت فرمود: «وقوف در دامنه» .(۱)

امام صادق (ع) فرمود:

عَرَفاتٌ کُلُّها مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ المَوْقِفِ سَفْحُ الجَبَلِ.(۲)

همه سرزمین عرفات، محل وقوف است. لیکن بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.

ایشان همچنین در روایت دیگری فرمود:

عَرَفاتٌ کُلُّها مَوْقِفٌ وَما قَرُبَ مِنَ الجَبَلِ فَهُوَ أَفْضَلُ.(۳)

همه سرزمین عرفات، محل وقوف است، هرچه به جبل‌الرحمه نزدیک‌تر باشد، بهتر است.

راز رفتن به بالای کوه رحمت در این است که انسان بداند خداوند در حق هر زن و مرد مسلمانی مهربان بوده و متولی هر زن و مرد مسلمان است. گرچه خدای سبحان، در مورد همگان ولایت تکوینی دارد و او ولی همه است (۴)و گرچه رحمت عام خدا فراگیر و شامل همه موجودات می‌شود (۵)؛ ولی رحمت خاص او، ویژه پرهیزگاران است؛

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳- وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۹.

۴- ر. ك: کهف: ۴۴.

۵- انعام: ۵۴.

ص:۷۵

چنان‌که می‌فرماید:

وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ (اعراف:۱۵۶)

و رحمتم همه چیز را فرا گرفته و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، مقرّر خواهیم داشت.

۲. فلسفهٔ نامگذاری صحرای عرفات

راغب اصفهانی می‌گوید:

عرفات نام جایگاه و منطقه‌ای است و از آن‌رو «عرفات» نامیده شد، چون میان آدم و حواء در این منطقه - پس از هبوط آدم بر «سرندیب» و فرود حواء در «جده» و به دور افتادن آنها از یکدیگر و دگرگونه‌شدن چهره آنها - شناختی حاصل شد. (۱)[و دور افتادگان از یکدیگر در اینجا همدگر را شناختند؛ دور افتادگانی که درصدد یافتن یکدیگر، راه دور و درازی درمی‌نوردیدند و در جست‌وجوی همدگر رنج‌ها بر خود هموار ساختند تا آنکه بر پهنه عرفات به هم رسیدند و به شناخت یکدیگر توفیق یافتند].

اگر چنان توجیهی در نامگذاری «عرفات» مقرون به صحت باشد، این سرزمین و وقوف در آن سمبل و رمز و نشانه‌ای است که مسلمانانِ به دور افتاده از یکدیگر می‌توانند در این کانون تجمع، به تعارف و شناخت یکدیگر توفیق یابند و با تعارف، به تألف و انس و همبستگی با یکدیگر نایل آیند. آدم و حواء در این منطقه به هدف خود رسیدند و همدیگر را

۱- مفردات راغب، ص ۵۶۰.

ص:۷۶

شناختنـد. بـدین‌ترتیب، نژاد و نسل آنها نیز بایـد با وقوف در این منطقه، به معرفت حال یکـدیگر دست یابنـد و تشـتت و بیگانگی و پراکندگی خود را - با توجه به اینکه هرکدام از سـرزمین‌های دور بدین‌جا می‌آیند - با آمدن و وقوف در این جایگاه، به همبستگی و پیوستگی و خویشاوندی دینی و انسانی تبدیل کنند و از این رهگذر، غربت خود را به قربت و قرابت باز آورند.

همچنین دوست و دشـمن را نیز با درنگ‌های آمیخته به تفکر شـناسایی کننـد. هیـچ کسـی انسان را بیش از خـدا دوست نمی‌دارد و هیچ دوستی بهتر از خدا در عالم وجود ندارد. بنابراین، باید در این جایگاه، رهیده از انگیزه‌های دنیوی - که جایگاهی درخور تفکر و تـدبر است- برای برآورده شـدن نیاز خویش در پی غیر خـدا نباشـد، بلکه تنها خدای مهربان را بجوید. امام سـجاد (ع) در عرفات مرد تهی‌دستی را دید که از مردم گدایی می‌کرد. به او فرمود:

وای بر تـو! در چنیـن روز، غیر خـدا را سـراغ می‌گیری. در چنیـن روزی ایـن امیـد وجـود دارد انسان‌هـایی کـه هنـوز چشـم بـه دنیا نگشوده‌اند و هنوز به دنیا نیامده‌اند، از لطف و مرحمت الهی برخوردار باشند.(۱)

از امام صادق (ع) سؤال شد: «عرفات را چرا عرفات می‌نامند؟» حضرت فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۹۹.

ص:۷۷

إنَّ جَبْرَئیلَ خَرَجَ بِإِبْراهِیمَ (ع) یَوْمَ عَرَفَهَْ، فَلَمّا زالَتِ الشَّمسُ، قالَ لَهُ جَبْرَئیلُ: یا إِبْراهیمُ اِعْتَرِفْ بِذَنْبِک وَاعْرِفْ مَناسِکَک، فَسُمِّیَتْ عَرَفاتٍ، لِقَوْلِ جَبْرَئیلَ: اِعْتَرِفْ فَاعْتَرَفَ. (۱)

جبرئیل، حضرت ابراهیم (ع) را روز عرفه به این مکان آورد. چون ظهر فرا رسید، جبرئیل گفت: «ای ابراهیم! به گناه خود اعتراف کن و مناسکت را بیاموز» . چون جبرئیل گفت اعتراف کن، پس اعتراف کرد. لذا این سرزمین عرفات نامیده شد.

بنابر قولی، حضرت ابراهیم (ع) در این سرزمین خواب دید که اسماعیل (ع) را در راه خدا قربانی می‌کند و به وظیفه خود عارف شد.

مفسّران نوشته‌اند:

علّت نام عرفات آن است که ابراهیم (ع) شبی خواب دید که باید فرزندش را قربانی کند. چون روز شد در فکر فرو رفت. ازاین‌رو، آن روز را «ترویه» نامیدند و چون شب بعد همان خواب را دید و دانست که خواب حق است، نه شیطانی؛ آن شب را «عرفه» نامید.

بعضی هم نوشته‌اند:

چون اسماعیل در آن روز آب پیدا کرد و سیراب شد، آن روز را ترویه گفتند و عرفات به این جهت گفتند که جبرئیل، شب احکام حج را آورد و پیغمبر فرمود: «قد عرفت» .(۲)

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج۲، ص۴۳۶.

۲- داستان‌های عرفانی، محمدتقی فعالی، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص۷۹.

ص:۷۸

رفتن به سوی عرفات، از زمان حضرت آدم (ع) سنت شد. حضرت آدم (ع) با همراهی جبرئیل اعمال حج و از جمله وقوف در عرفات را به عنوان سنت حج بناگذارد. امام صادق (ع) در این باره فرمودند:

سُمِّیَتِ التَّرْوِیَةُ لأَنَّ جبرَئیلَ (ع) أَتَی إِبْرَاهِیمَ (ع) یَوْمَ التَّرْوِیَةِ، فَقَالَ: یَا إِبْرَاهِیمُ ارْتَو مِنَ المَاءِ لَکَ وَ لأَهْلِکَ وَ لَمْ یَکُنْ بَیْنَ مَکَّةَ وَ عَرَفَاتٍ مَاء.(۱)

روز ترویه را ترویه نامیدند، چون جبرئیل در چنین روزی، نزد حضرت ابراهیم (ع) آمد و گفت: «ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار» و میان مکه و عرفات آبی نبود.

حضرت ابراهیم (ع) پیش از روز نهم ذی‌حجه در خواب دید که اسماعیل (ع) را ذبح می‌کند. هنگامی که بیدار شد، به حالت تروی و فکر فرو رفت که آیا این رؤیا الهی و به منزله دستور آسمانی است، یا نه. ازاین‌رو، روز هشتم را «یوم‌الترویه» می‌نامند. ولی ممکن است وجه تسمیه آن به «یوم‌الترویه» این باشد که در آن روز، برای سقایت حج‌گزاران، آب‌گیری می‌کردند تا زائران را در عرفات و مشعر و منا آب دهند؛ چنان‌که امام‌صادق (ع) فرمود:

إنَّ إبراهیمَ أتاهُ جَبرئیلُ عِندَ زَوالِ الشَّمْسِ مِنْ یَومِ التَّرْویةِ فقال: یا إبراهیمُ! ارْتَوِ مِنَ الْماءِ لَکَ ولأهلِکَ. ولَمْ یَکُنْ بینَ مَکَّةَ وعَرَفاتٍ یَوْمئذٍ ماءٌ فَسُمِّیَتْ التَّروِیةَ لِذلک.(۲)

۱- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۲، ص ۶۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

ص:۷۹

روز ترویه و هنگام زوال خورشید، جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار، و در آن روز بین مکه و عرفات آبی نبود.

این رؤیا، در شب نهم ذی‌حجه نیز برای حضرت ابراهیم (ع) تکرار شد. ازاین‌رو، آن حضرت یقین پیدا کرد که باید فرزند خود اسماعیل را ذبح کند. این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد و بدین سبب، آن روز را «عرفه» و آن سرزمین را «عرفات» نامیدند.(۱)

ترویه به آب اشاره دارد و سرّ آن «آب معرفت» است؛ معرفتی که در عرفات به ظهور می‌رسد. آب معرفت و زلال حیات، به جان تشنه‌ای می‌رسد که از هر کجا بریده باشد و از همه جا ناامید رو به خدا آورد. در حالت انقطاع است که خداوند مهربان به تن خسته و روح رنجور نظر می‌فرماید و شعله‌های آتشین محبت را در وجود او زنده می‌کند و آب زلال معرفت را به کام او می‌ریزد. عارفی که آب معرفت نوشد، برق شهود در نگاهش می‌درخشد، از رحمت و هدایت الهی بهره‌مند شده، از منبع فیض، رزق می‌خورد و مستعد دریافت معرفت می‌شود و خود را برای ورود به صحنه عرفات مهیا می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) ، روز عرفه را در «نمره» (۲)فرود آمد. در کنار این سنگ

۱- الدرّالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۷، ص ۱۱۱.

۲- نام کوهی است در عرفات که در دامنه آن مسجدی به نام «مسجد نمره» بنا شده است. به روایتی، حضرت ابراهیم۷ در این مکان وقوف کرده و در آنجا به نماز و عبادت پرداخته است.

ص:۸۰

بزرگ، پارچه‌ای بستند تا پیامبر (ص) در سایه آن بنشیند. سال‌های بعد نیز نبی اکرم (ص) در آنجا وقوف می‌کرد و نماز ظهر و عصر می‌گزارد. صحرای مقدس عرفات، در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر (ص) بود.

در مورد علت نام‌گذاری صحرای عرفات، چند نکته وجود دارد:

الف) وقتی جبرئیل مراسم حج را به آدم (ع) یا به ابراهیم خلیل (ع) آموخت، در پایان به او گفت: «

عَرَفْت؟ » ؛ «آیا شناختی؟»(۱)؛

ب) آدم و حوّا، در این منطقه یکدیگر را شناختند: «

تَعارَفا » و بازیافتند؛

ج) عرفات از آن رو به این نام شناخته شد که مردم در این سرزمین به گناهان خود اعتراف می‌کنند؛

د) برخی هم عرفه را به معنای کوه گرفته‌اند.

نویسنده کتاب «مسالک الأفهام» نوشته است:

گرچه در وجه تسمیه عرفات (این سرزمین وسیع) جنبه‌های گوناگونی ذکر شده(۲)، ولی بهتر آن است که بگوییم این سرزمین وسیع با جذبه روحانی و معنوی عجیبی که دارد، فضای بسیار مناسبی برای کسب معرفت پروردگار و شناسایی ذاتِ پاک او است و مشعر را هم از آن جهت «مشعر» گویند که «مَعلَم و نشانه‌ای است از این مراسم پرشکوه حجّ» .(۳)

۱- ر. ک: علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- ر. ک: مسالک الافهام، زین الدین بن علی شهید ثانی ، ج۲، ص ۲۰۴.

۳- مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۰۹.

ص:۸۱

بنابراین، این سرزمین را به دو وجه عرفات نامیده‌اند: یا به علت «اعتراف» به گناه؛ هرچند گناه ابراهیم (ع) به معنای خاصی است که با عصمت آن بزرگوار سازگاری دارد یا به علت «معرفت» به عبادت بوده است. البته اعتراف هم به معرفت باز می‌گردد؛ زیرا اعتراف، به معنای معرفت به معاصی است. پس، نام عرفات به لطیفه‌ای عرفانی اشاره دارد که همان معرفت است و عرفات هم چیزی جز معرفت نیست.

در وقوف عرفات، انسان به معارف الهی واقف می‌شود و درمی‌یابد که خدا، همه نیازهای او را می‌داند و قادر به رفع آنهاست و می‌داند که خدا به درون و بیرون او ناظر و آگاه است. آنجا با خدای خود عهد می‌کند که من کسی را به چیزی امر و نهی نمی‌کنم، جز آنکه خود در آن پیش‌قدم باشم. اگر انسانی به اسرار حج و به باطن اعمال اماکن مقدسه آن توجهی نداشته باشد، بی‌شک، از سازندگی‌های حج محروم خواهد شد و شاید کلام امام سجاد (ع) بر او صدق کند که فرمود: «چه بسیارند ضجه زنان و چه اندك‌اند حج گزاران!» .(۱)ظاهر حج، انسان را در میان مردم به‌عنوان حاجی می‌شناساند، درحالی‌که سیرت حج، سیرت انسان را می‌سازد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹.

ص:۸۲

ص:۸۳

گفتار دوم: فضیلت‌های عرفات در آیینه کتاب و سنت

۱. فضیلت سرزمین عرفات در آیینهٔ قرآن کریم

لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْکُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَ إِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّینَ (بقره:۱۹۸)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی صحیح اسلامی است) و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت نمود؛ و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

این آیه کریمه، به سه نکته اساسی اشاره دارد:

ص:۸۴

الف) اباحهٔ تجارت هنگام حج؛

ب) حرکت جمعی از عرفات به مشعرالحرام؛

ج) وجوب تسبیح و تحلیل احدیت در مشعرالحرام.

ابن عربی می‌نویسد:(۱)

در لغت «افاضه» ، حرکتِ سریع است. . . خداوند در قرآن، وقت افاضه و حرکت دسته‌جمعی از عرفات را مشخص نکرده، لیکن پیامبر (ص) آن را با عمل خود بیان کرده است. آن حضرت در عرفات وقوف کرد تا زمانی که خورشید غروب کرد و قرص خورشید ناپدید گشت.(۲)

جماعت قریش به دلیل شدت کبر و غرور، در عرفات و مشعر از سایر گروه‌ها جدا می‌شدند و در موقع کوچ کردن، مقدم یا مؤخر کوچ می کردند و شأن خود نمی‌دانستند که با سایر حاجیان مخلوط شوند. خداوند تعالی ضمن آیهٔ ۱۹۹ سوره مبارکه بقره، ملت اسلام را به اتفاق و اجماع، امر می‌فرماید تا مردم به سبب اجتماع، مقصود صاحب شریعت را درک کنند؛ چه آنکه پیشرفت و رشد جامعه انسانی میسّر نیست، مگر با همبستگی.

تمامی حاجیان با پوششی یکسان و هم‌رنگ و یک‌نواخت، همه بیابان‌نشین و به دور از سر و صدای شهر و از دنیا و زرق و برق آن گریخته و به زیر آن آسمان نیلی رحمت واسعهٔ الهی، آسمانی آزاد و پاک

۱- احکام القرآن، محمد بن عبدالله اندلسی ابن عربی ، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، ج ۱، ص ۲۲۶.

ص:۸۵

از آلودگی گناه (۱)؛ همان‌جا که فرشته وحی بال و پر می‌زنـد و از لابه‌لای نسیمش، صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل (ع) و نوای حیات‌بخش و گوش‌نواز صـدای پیامبر اعظم (ص) طنین‌انـداز می‌شود، پناه آورده‌اند. در این سـرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای است که به جهان ماورای طبیعت گشوده شده، انسان نه تنها از نشئهٔ عرفان پروردگار سرمست و لحظه‌ای با زمزمهٔ تسبیـح عمومی خلقت هماهنـگ می‌شود، بلکه در درون وجود خود، خودش را نیز می‌یابـد و به حـال خویشـتن نیز عارف می‌شود و درمی‌یابـد کـه او آن‌کسـی نیسـت که شب و روز در پی معـاش، تلاشـی حریصـانه کرده است. صـحرا را زیر پـا می‌گـذارد و هرچه می‌یابـد، عطشـش فرو نمی‌نشـیند. در نهـایت، پی می‌برد که گوهر دیگری در درون جـان نهفته است که او در حقیقت، همان است. آری، این‌چنین است که این صحرا، با نام با مسمای عرفات شناخته می‌شود.

در آیـهٔ ۱۹۹ سـوره مبـارکه بقره، پروردگـار حکیـم، روی یکـی از امتیازهـایی که قریش برای خـود قائـل بـود، خـط بطلاـن کشـید. بدین‌ترتیب که

۱- هرگـاه یکی از بنـدگان گنه‌کـار پریشـانْ روزگـار، دست انابت به امیـد اجابت به درگاه خداونـد برآرد، تعالی در او نظر نکنـد، بازش بخواند، دگرباره اعراض کند. بازش به تضـرع و زاری بخواند، حق سـبحانه گوید: «یا مَلائِکَتی قَدِ اسْـتَحْییتُ مِنْ عَبْدی وَ لَیسَ لَهُ رَبٌ غَیری فَقَـدْ غَفَرْتُ لَهُ» ؛ «دعوتش را اجابت کردم و امیـدش بر آوردم که از بسـیاری دعا و زاری بنـده همی شـرم دارم» . کَرَم بین و لطف خداوندگار گُنه بنده کرده است و او شَرمسار گلستان سعدی، صص۳ و ۴ .

ص:۸۶

قریش، خـود را «حُمس» (۱)(بر وزن خمس) می‌خواندنـد و خـویش را از فرزنـدان حضـرت ابراهیـم (ع) و سرپرسـتان خانهٔ کعبه می‌شـمردند و برای هیـچ‌یک از اعراب، مقامی را که برای خویشـتن در نظر می‌گرفتنـد، قائل نبودنـد. آنها می‌گفتنـد ما نبایـد احترام آنچه را از حریم مکه بیرون است با آنچه در حریم مکه است، مساوی بدانیم که اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشـی قائل نخواهد شـد! ازاین‌رو، وقوف به عرفات را که از محیط حرم بیرون است، ترک می‌کردنـد، با اینکه می‌دانسـتند از جمله وظایف حـج و آیین حضرت ابراهیم (ع) است. (۲)ولی خداوند در آیه ۱۹۹ سوره بقره به همه مسلمانان دستور می‌دهد همه در یک‌جا (عرفات) وقوف کنند و از آنجا، همگی به‌سوی مشعر بیایند و از آنجا هم به‌سوی منا کوچ کنند.

در نتیجه، این آیه، بـا اشـاره به افـاضه، از مشـعرالحرام به سـرزمین منـا حرکت می‌کنـد و به همین دلیل، کلمـهٔ ثُمَّ که دلیل بر ترتیب است، پس از مسئله حرکت از سرزمین عرفات به مشعر ذکر شده است. در واقع، قرآن با بیانی شیوا، به همه مردم بدون استثنا دستور می‌دهد که نخست به عرفات و از آنجا به مشعرالحرام (۳)بروند و سپس، از آنجا به سرزمین منا کوچ کنند.

۱- حمس: افرادی که در دین محکم‌اند.

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۳- مشـعرالحرام: نام کوهی است که حاجیان بایـد شب عید قربان تا طلوع خورشـید روی آن و اطراف آن بمانند و خداوند تعالی را ذکر کرده و مقصود و منظور صاحب شریعت را تحصیل کنند.

ص:۸۷

۲. فضیلت سرزمین عرفات در آیینه روایت‌ها

الف) اسرار وقوف عرفات

امام سجاد (ع) در حدیث «شبلی» می‌فرماید:

هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِکَ بِعَرَفَهَ مَعْرِفَهَ الله سُبْحَانَهُ أَمْرَ المَعَارِف وَ الْعُلُوم وَ عَرَفْتَ قَبْضَ الله عَلَی صَحِیفَتِکَ وَ اطِّلاعَهُ عَلَی سَرِیرَتِکَ وَ قَلْبِکَ؟ قَالَ: لا. قَالَ: نَوَیْتَ بِطُلُوعِکَ جَبَلَ الرَّحْمَهِ أَنَّ الله یَرْحَمُ کُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ وَ یَتَوَلَّی کُلَّ مُسْلِم وَ مُسْلِمَهٍ قَالَ: لا، قَالَ: فَنَوَیْتَ عِنْدَ نَمِرَهَ أَنَّکَ لا تَأْمُرُ حَتَّی تَأْتَمِرَ وَلا تَزْجُرُ حَتَّی تَنْزَجِرَ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَم وَ النَّمِرَاتِ نَوَیْتَ أَنَّهَا شَاهِدَهٌ لَکَ عَلَی الطَّاعَاتِ حَافِظَهٌ لَکَ مَعَ الحَفَظَهِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ قَالَ: لا، قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَهَ وَ لا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَهِ وَلا عَرَفْتَ نَمِرَهَ وَلا دَعَوْتَ وَلا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ.(۱)

پرسید: آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت‌ها و دانش‌ها شناختی و به اینکه خداوند، نامه عمل تو را دریافت می‌کند و به آنچه در درون قلبت می‌گذرد آگاه است، پی بردی؟ گفت: نه! پرسید: آیا با صعود بر جبل‌الرحمه نیت کردی که خداوند هر زن و مرد باایمان را می‌آمرزد و هر زن و مرد مسلمان را سرپرستی می‌کند؟ گفت: نه! پرسید: آیا نزد وادی «نمره» نیت کردی که فرمان ندهی تا آنکه خود فرمان ببری و نهی نکنی تا آنکه خود پرهیز کنی؟ گفت: نه. پرسید: آن‌گاه که کنار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

ص:۸۸

نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آنها گواه طاعت‌های تو باشند و به دستور خداوند، آسمان‌ها همراه نگهبانان به نگهبانی تو پردازند؟ گفت: نه! فرمود: پس نه در عرفات وقوف کرده‌ای، نه از جبل الرحمه بالا رفته‌ای و نه نمره را شناخته‌ای و نه دعا کرده‌ای و نه کنار نمرات ایستاده‌ای.

وقوف در عرفات، اسرار عرفانی بسیاری دارد که برخی از آنها در حدیث شبلی آمده است. در ذیل به مهم‌ترین این اسرار اشاره می‌کنیم:

وقوف در عرفات، به این معناست که انسان به معارف الهی واقف، عارف و آگاه شود و بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف است و برای رفع همه نیازهای او تواناست. خود را به خدا بسپارد و احساس کند که بنده او و محتاج به اوست تا تنها او را اطاعت کند. اگر بنده‌ای مطیع و پیرو خدا شد، از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است: «

وطاعتهُ غِنًی » .(۱)

پس کسی که در عرفات می‌ایستد، باید از معرفت طرفی ببندد. باید عارف بشود که ذات اقدس الهی به صحیفه قلب او و به درون او و رمز و راز او آگاه است. زائر باید در سرزمین عرفات این آیه شریفه را درک کند:

وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى (طه:۷)

اگر آشکار سخن بگویی [یا پنهان]، او اسرار پنهانی و پنهان‌تر از آن را نیز می‌داند.

۱- دعای کمیل.

ص:۸۹

پروردگار شما، از هر کاری که انجام می‌دهید، از هر چرخی که می‌زنید و از هر سری که درون خود دارید، آگاه است. سخن آشکار و راز نهانی شما را می‌داند و آنچه پوشیده است و حتی برای خود شما نیز روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای قلب و روح شما عبور می کند را هم می‌داند.

به هر ترتیب، انسان باید عارف شود بر اینکه خداوند متعال بر صحیفه قلب او احاطه کامل دارد. اگر انسان بداند که قلب او در محضر و در مشهد حق است، همان‌طور که با اعضا و جوارح خود دست به گناه نمی‌زند، مرتکب گناه خیالی و فکری هم نخواهد شد و آرزوهای باطل به خود راه نخواهد داد. همان گونه که کلام باطلی بر لب ندارد و به کسی بد نمی گوید، در دل، بد کسی را نیز نمی‌طلبد و همان‌طور که بدن خود را تطهیر می کند، قلبش را نیز از اندیشه و خاطره‌های آلوده پاک می‌سازد.

کسی که در سرزمین عرفات به‌سر می‌برد، شایسته است از کوه جبل‌الرحمه بالا رفته و دعای خاص آن را بخواند. سالار شهیدان حسین‌بن علی (ع) در قسمت چپ آن کوه، رو به کعبه ایستاد و آن دعای معروف را خواند. راز بالا رفتن از جبل الرحمه، این است که بداند خداوند متعال با هر زن و مرد مؤمنی، مهربان و ولی هر مرد و زن مسلمانی است؛ گرچه ولایت خداوند متعال تکوینی است و او ولی کل است: هُنالِکَ الْوَلایَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ؛ «در آنجا ثابت شد که ولایت [و قدرت] از آن

ص:۹۰

خداوند برحق است» . (کهف:۴۴)

و اگرچه رحمت خداوند متعال فراگیر است، اما آن ولایت و رحمت عام است و در کنار این ولایت و رحمت عامه، رحمت ویژه‌ای نیز دارد که در حق همه نیست: وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ (اعراف:۱۵۶)

در بخش اول آیه، مشخص فرمود که رحمتش فراگیر است و در بخش دوم آن، فرمود: بر خود لازم کرده‌ام که رحمت خاص را شامل متقین سازم؛ زیرا کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ ؛ «خداوند متعال رحمت را بر خود لازم کرده است» . (انعام:۱۲)

از مجموع دو آیه، درمی‌یابیم که خداوند متعال بر خود لازم کرده که رحمت خاص خود را به پرهیزگاران بدهد.

رفتن به بالای جبل‌الرحمه، انسان را به این حقیقت آشنا و عارف می‌کند(۱)که خداوند متعال، رحمت و ولایت خاصی بر مرد و زن با ایمان و مسلمان دارد. طبیعی است وقتی به این حقیقت مزین شد، نسبت به زن و مرد مؤمن رحمت ویژه‌ای دارد و به آنها ولایت ویژه‌ای پیدا می‌کند و در رفتار، گفتار و نوشتار خود، این سرّ را پیاده می‌سازد.

در سرزمین عرفات، منطقه‌ای به‌نام «نَمِره» واقع شده است. به فرموده امام سجاد (ع) ، وقتی به این منطقه از عرفات رسیدید، راز و رمزش این

۱- جبل الرّحمه، تقریباً در انتهای سرزمین عرفات واقع شده و به طول تقریبی ۳۰۰ متر مستقل از کوه‌های اطراف است.

ص:۹۱

است که بگویید: «خدایا! به چیزی امر نمی‌کنم؛ مگر آنکه قبلاً خودم به آن عمل کنم و مؤتمر باشم و از چیزی نهی نمی‌کنم، مگر آنکه قبلاً خودم از آن منزجر باشم» .(۱)

امر به‌معروف و نهی از منکر بر هر انسان مسلمانی واجب است.

امر به معروف و نهی از منکر، دارای یک حکم فقهی و یک سرّ است. حکم فقهی آن، این است که عالم به حکم شرعی باشد؛ اگر دید کسی با علم و آگاهی و به عمد حکمی را رعایت نمی‌کند، باید او را راهنمایی کند.

بدیهی است امر به معروف و نهی از منکر، غیر از تعلیم، موعظه و ارشاد است. (۲)امر به معروف و نهی از منکر، جنبه ولایت و آمریت دارد؛ گرچه ممکن است در بعضی از موارد، مصداق تعلیم، ارشاد یا موعظه هم قرار گیرد، ولی حقیقت امر به معروف و نهی از منکر، از این موارد جداست.

در امر به معروف و نهی از منکر، لازم نیست خود انسان درونی پاک داشته یا متّصف به عدالت باشد. عدالت شرط امر به معروف و نهی از

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۴۵ .

۲- فرق بین «امر به معروف و نهی از منکر» و « موعظه و ارشاد» آن است که حوزه مأموریت امر به معروف و نهی از منکر، «عمل» و حوزه مأموریت موعظه و ارشاد، «انجام‌دهنده عمل» است. امر و نهی می‌گویند: گناه انجام نشود. اما در موعظه اهتمام بر این است که انجام‌دهنده گناه و تارک فریضه، هدایت شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، متوجه «قبح فعلی» است و ارشاد و موعظه متوجه «قبح فاعلی» است .

ص:۹۲

منکر نیست، بلکه علم، آگاهی و احتمال تأثیر از شرایط آن است.

اما با وجود این، در سرزمین عرفات راز و رمز امر به معروف و نهی از منکر، به عدالت برمی‌گردد؛ بدین‌معنا که انسانی که آمر است، باید پیش از این مؤتمِر باشد. انسانی که ناهی و زاجر است، پیش از این باید منتهی و منزجر باشد و بگوید: خدایا! آن‌چنان توفیقی بر من عنایت کن که هر چه را به دیگران، به عنوان «امر به معروف» امر می‌کنم، ابتدا خود بدان عمل کرده باشم و از آنچه دیگران را نهی می‌کنم، پیش از آن، خود از آن فعل، منزجر شده باشم.

آری! در اسرار حج، عدالت شرط امر به معروف و نهی از منکر است.

«نمرات» منطقه وسیعی در عرفات است که با علامت‌های خاصی مشخص شده است. حضرت سجّاد (ع) فرمود:

روز نهم که وارد سرزمین عرفات شدی و به این منطقه وسیع رسیدی، سرّش آن است که آگاه باشی این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است و بداند که چه کسانی بر روی آن گام می‌نهند و با چه انگیزه‌ای آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند! گذشته از آنکه خدا و فرشتگان هم شاهدند.

خداوند تعالی این منطقه و این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد؛ به‌طوری که خوب می‌داند شما چه می‌کنید. زمین‌هایی که زائران گام بر آن می‌نهند، خود به خوبی روشن می‌سازد که زائر، حاجی و معتمر، به چه نیت آمده و با چه نیتی باز می‌گردند.

ص:۹۳

صاحب «مستدرک» در حدیثی طولانی به نقل از «تفسیر عسکری» از امام سجاد (ع) نقل می کند(۱)که آن بزرگوار در عرفات، وقوف یافته بود. امام (ع) خطاب به «زهری» فرمود: «به نظر شما، امسال تعداد زائران چقدر است؟» زهری عرض کرد: «چهارصد یا پانصد هزار نفر که همه قصد خدا را کرده‌اند و او را با ناله و ضجه می‌خوانند» . امام (ع) فرمود: «

مَا أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الحَجِیجَ» ؛ «چه بسیارند ضجه‌زنان و چه کم‌اند حجّاج» .

سپس فرمود: «ای زهری! صورتت را نزدیک بیاور» . زهری صورت خود را نزدیک کرد. امام (ع) با دست مبارکش، رخسار او را مسح نمود، سپس گفت: «ببین!» . زهری گفت: «تمام خلق را دیدم که میمون بودند و تنها در هر ده‌هزار نفر یک انسان دیدم» . باز امام فرمود: «زهری صورتت را نزدیک کن» . او چنین کرد و امام بار دیگر صورت زهری را مسح نمود و به او گفت: «نگاه کن» . زهری نگاه کرد و تمام آنها را خوک دید. بار سوم چنین شد و زهری تمام خلق را گرگ دید و تنها تعداد اندکی انسان مشاهده کرد. آن‌گاه رو به امام کرد و گفت: «آیات تو مرا وحشت‌زده کرد و افعال عجیب تو مرا متحیّر» . سپس امام صورت او را مسح نمود و زهری به حالت عادی بازگشت. سپس امام سجاد (ع) گوشه‌هایی از اسرار ملکوتی حج را بیان فرمود.

کسانی که همچون ستاره‌ای میان تاریکی می‌درخشیدند، حاجیان،

۱- مستدرک، ج ۱، ص ۶۰۷.

ص:۹۴

مؤمنان و مخلصان واقعی‌انـد که به پیامبر (ص) و اولادش با تمام وجود عشق می‌ورزنـد و آنهایی که به صورت باطنی، حیوانی بیش نیسـتند، دشمن‌سرسـخت رسول خـدا (ص) و اولاد اوینـد. حاجیان به اندازه نورشان که به اندازه ولایت‌پذیری آنهاست، در عرصات قیامت نمایان می‌شوند.

نور برخی از آنها به انـدازه هزار سال است و برخی دیگر به قدر صد هزار سال و هر صاحب نوری به اندازه نورانیتش توان شـفاعت دارد.

در کعبه دل عید تجلی جمالت ای قوم به حج رفته، کجایید؟ کجایید؟

سرگشته در آن‌بادیه تاچند بپویید معشوق همین‌جاست، بیایید بیایید

امیرمؤمنان علی (ع) ، درباره راز وقوف در عرفات فرمود: «عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خـدا بایـد بیرون دروازه، آن‌قدر تضرع کند تا لایق ورود حرم شود» .(۱)

حج‌گزار با وقوف در عرفات، باید به معارف واقف شده و از اسـرار الهی نظام آفرینش باخبر شود و بداند که خدای سـبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. به یقین، کسی که اینجا، از خدا غیرخدا را طلب کند، زیان کرده است.

ب) عرفات، تجلّی‌گاه بندگی

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

اِنَّ اللهَ تَطَوَّلَ عَلی اَهْلِ عَرَفاتٍ یُباهی بِهِمُ المَلائِکَهَ یَقُولُ: یا مَلائِکَتی

۱- کافی، ج ۴، صص ۴۶ و ۲۲۴.

ص:۹۵

اُنْظُرُوا اِلی عِبادی شُعْثاً غُبْراً اَقْبَلوُا یَضْرِبُونَ اِلیَّ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ، فَاُشْهِدُکُمْ انّی قَدْ اَجَبْتُ دُعائَهُمْ وَ شَفَّعْتُ رَغْبَتَهُمْ وَ وَهَبْتُ مُسیئَهُمْ لِمُحْسِنِهِمْ وَ اَعْطَیْتُ مُحْسِنَهُمْ جَمیعَ ما سَأَلَنی، غَیْرَ التَّبِعاتِ الَّتی بَیْنَهُمْ.(۱)

خداوند بر اهل عرفات نعمت داده، به وسیله آنها بر فرشتگان مباهات کرده، می‌فرماید: ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید، ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری راه سپرده و آمده‌اند. شما را گواه می گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته‌شان را برآورم. خطاکارشان را به خاطر نیکوکارشان بخشیدم و به نیکوکارانشان هر چه را که از من خواستند، عطا کردم، جز گناهانی را که میان خودشان دارند (حقّ‌الناس) .

حاجی در صحرای عرفات، ازدحام خلق را می‌بیند که همه یک‌رنگ و یک‌لباس، به راز و نیاز با خدا مشغول‌اند. حاجیان صدا به نجوا بلند کرده‌اند، در عین حال که هر کدام زبان، رنگ و نژادی خاص دارند. در سرزمین عرفات نژادها، امت‌ها و مردمان متفاوتی جمع شده‌اند. اینها برای چه به این سرزمین آمده‌اند و به چه هدفی دست نیاز به سوی آسمان بلند کرده‌اند؟ این سؤال‌ها تنها یک پاسخ دارند و آن اینکه همه برای توبه و بخشش آمده‌اند؛ آمده‌اند تا خدای سبحان، حاجت و تضرع آنها را ببیند و به آنها نظر عنایت کرده، از آنها درگذرد.

پس باید قلب را قرین ابتهال و تضرع و سرشار از امید به رحمت

۱- مسند ابی‌یعلی، ابن بطی احمد بن علی الموصلی، ج ۴، ص ۱۴۷؛ ربیع الابرار، ج ۲، ص ۸۴۰.

ص:۹۶

الهی کرد. اینجا مکان شریفی است؛ اینجا سرزمین رحمت و مغفرت است.

خداوند در عرفات، به فاجر هم پاسخ می‌دهد، سخن او را می‌شنود و اگر تقاضای دنیوی داشته باشد، آن را تأمین می کند. اما اگر در دامنهٔ کوه‌های عرفات، حضور یابند و با اخلاص با خدا سخن گویند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت اجابت کرده، گناهانشان را می آمرزد.

وقوف در عرفات، منافعی بیش از این دارد. کسی که در سرزمین نور و معرفت وقوف یابد، گوش و چشم و زبانش هم در امان خواهد ماند. رسول خدا (ص) در بیانی نورانی فرمودند:

وَ مَنْ وَافَی بِعَرَفَهَٔ فَسَلِمَ مِنْ ثَلاثٍ أُذُنُهُ لا تَسْمَعُ إِلّا إِلَی حَقٍّ وَ عَیْنَاهُ أَنْ تَنْظُرَ إِلّا إِلَی حَلالٍ وَ لِسَانُهُ أَنْ یَنْطِقَ إِلّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَ إِنْ کَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.(۱)

کسی که به عرفات بیاید، از سه چیز در امان است: گوشش فقط حق را می‌شنود؛ چشمش فقط به حلال نگاه می کند؛ زبانش فقط به حق گویا می‌شود و تمامی گناهانش بخشیده می‌شود. حتی اگر به اندازه کف‌های اقیانوس باشد.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید:

آن گاه که در حجهٔالوداع، رسول خدا (ص) حج گزارد، در عرفات وقوف کرد. سپس رو به مردم کرده، سه‌مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۴.

ص:۹۷

خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند، به آنان عطا شود و فردای قیامت، در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند.(۱)

عرفات، عصر روز نهم است. ولی چرا هنگام وقوف در عرفات، عصر است؟ این سؤال را فردی یهودی از رسول خدا (ص) پرسید. حضرت (ص) نیز فرمود:

إِنَّ الْعَصْـرَ هِیَ السَّاعَهُ الَّتِی عَصـَی آدَمُ فِیهَا رَبَّهُ فَفَرَضَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَی أُمَّتِیَ الْوُقُوفَ وَ التَّضَـرُّعَ وَ الدُّعَاءَ فِی أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَیْهِ وَ تَکَفَّلَ لَهـمْ بِـالْجَنَّهِ وَ السَّاعَهُ الَّتِی یَنْ-صَرِفُ بِهَا النَّاسُ هِیَ السَّاعَهُ الَّتِی تَلَقَّی فِیهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیم.(۲)

[فلسفهٔ وقوف در عرفات هنگام عصر، این است که] عصر ساعتی است که آدم پروردگار خویش را عصیان کرد و خداوند بر امت من وقوف و گریه و دعا را در بهترین جایگاه واجب گردانید و اعطای بهشت آنها را به عهده گرفت و آن ساعتی که مردم از عرفات کوچ می‌کنند، همان ساعتی است که آدم، کلماتی را از خداوند دریافت و توبه کرد. همانا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است.

در نقل دیگری آمده است: «آنان‌که در عرفات وقوف می‌کنند، در حقیقت، پیش روی خدا (بین یدی الله) وقوف کرده‌اند» . (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶.

۲- امالی صدوق، ص ۱۷۱؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲.

۳- بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۲۰.

ص:۹۸

عرفات، محل شناخت امام (ع) و دست‌یابی به اوست. امام‌صادق (ع) در روز عرفه و موقف عرفات، با صدای بلند بر اهمیت مسئله ولایت و امامت تأکید کرد. عمرو بن ابی‌مقدام در این باره چنین روایت می‌کند که در آن روز، امام صادق (ع) خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ (ص) كَانَ الإِمَامَ، ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي‌طَالِبٍ، ثُمَّ الحَسَنُ، ثُمَّ الحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (علیهم‌السلام) ، ثُمَّ هَهْ.(۱)

رسول خدا (ص) امام و ولی شما بود، پس از او، علی بن ابی‌طالب امام است. پس از وی حسن بن علی و پس از او، حسین بن علی و پس از وی علی بن الحسین و پس از او، محمد بن علی (پدرم) امام است. پس از من بپرسید [کنایه از اینکه اکنون من امام شما هستم].

حضرت، این جملات را سه‌بار و به چهار سوی؛ از پیش‌رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید.

ج) عرفات، محل استجابت دعا

ابراهیم خلیل (ع) در عرفات به مناسک حج واقف و عارف میشود و دعایش به استجابت می‌رسد. خداوند به این روز و این سرزمین، شرف و عزت بخشید.

طبق روایت‌هایی، همه حاضران در عرفات، دعای مستجاب دارند؛

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۶۶.

ص:۹۹

چه نیکان و چه بدان؛ چنان‌که امام باقر (ع) فرمود:

ما یَقفُ احدٌ عَلی تِلْكَ الْجِبالِ بَرٌّ وَ لافاجِرٌ اِلَّا اسْتَجابَ اللهُ لَهُ فَامَّا البَرُّ فَیُسْتَجابُ لَه فی آخِرَتِهِ وَدُنْیاهُ، وَ امَّا الْفاجِرُ فَیُسْتَجابُ لَهُ فی دُنْیاه.(۱)

احدی از نیکان و بدان نیست که بر این کوه‌ها وقوف کند، مگر اینکه خدا دعای او را به اجابت می‌رساند. دعای نیکان در مورد امور دنیا و آخرتشان مستجاب می‌شود، ولی دعای بدکاران، دربارهٔ دنیایشان مستجاب می‌شود.

به راستی، عرفه و عرفات بهترین موقعیت برای دعا، استغفار و طلب حاجات است. عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران، بلکه برای همه مومنان و روز آمرزش و اعتراف است. امام صادق (ع) در حدیث «مصباح‌الشّریعه» ، با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

اعتراف کن و به تجدید عهد خود با خدای یگانه بپرداز. در این روز، دعای امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و سایر ادعیه و اذکار را بخوان و به هر زبان و بیان که میتوانی با خداوند راز و نیاز نموده، در حق دیگران دعا کن تا فرشتگان در حق تو دعا کنند(۲)

امام محمد باقر (ع) نیز فرمودند: «روز عرفه، هیچ سائلی دست خالی بر نمی‌گردد» .(۳)

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۲؛ ر. ك: مستدرك الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.

۲- مصباح الشریعه، و مفتاح الحقیقه، امام صادق۷، ص ۴۷.

۳- وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۱.

ص:۱۰۰

د) عرفاتیان، مشمول مغفرت خاصّه الهی‌اند

در برخی از روایت‌ها آمـده که تنها وقوف در عرفه، می‌تواند بعضـی از گناهان کبیره را بپوشاند. پیامبر اعظم، حضـرت محمّد (ص) می‌فرمایند:

ما رُأی الشَّیْطانُ فی یَوْمٍ هُوَ أَصـغَرُ وَلا أَحْقَرُ وَلا أغیظُ مِنهُ یومَ عَرَفَـهً وَ ما ذلِکَ إلّا لِما یَری مِنْ نُزوُلِ الرَّحْمَـهِٔ وَ تَجاوُزِ اللهِ عَنِ الـذُّنُوبِ الْعِظامِ إذْ یُقالُ مِنَ الذُّنُوبِ ما لا یُکفِّرُها إلّا الْوُقُوفُ بِعَرَفَهً.(۱)

دیده نشده شیطان در روزی کوچک‌تر، فرومایه‌تر و خشـمگین‌تر از روز عرفه [باشد] و این حقارت و زبونی و خشمگینی شیطان در روز عرفـه نیسـت، مگر بـدین‌جهت که می‌بینـد نزول رحمت و گـذشت و بخشـایش خـدای را از گناهـان بزرگ زائران؛ زیرا برخی گناهان است که آنها را نمی‌پوشاند و مورد بخشایش قرار نمی‌دهد، مگر وقوف در عرفات.

هنگام غروب روز عرفه، پیامبر اکرم (ص) به «بلال» فرمود مردم را ساکت کن تا مطلبی بگویم. وقتی همه ساکت شدند، فرمود:

إنَّ رَبَّکم تَطَوَّلَ عَلیکم فِی هـذَا الْیوم فَغَفَر لِمُحْسِنِ-کُمْ وَ شَـفَّعَ مُحْسِنَ-کُم فی مُسِیِـئِکُم فَـاَفیضُوا مَغْفوراً لَکمْ، إلّا أَهْلَ التَّبِعاتِ فَانَّ الله عَدْلٌ یَأخُذُ لِلضَّعیفِ مِنَ القَوِیِّ.(۲)

همانا خداوند بر شـما منت گذاشت، نیکان شـما را مشـمول مغفرت کرد و به شـفاعت نیکان، از تقصیر بدان گذشت. اینک حرکت کنید، در حالی که

۱- شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۸؛ ر. ک: وسائل الشیعه، ج۸، ص۶۵.

ص:۱۰۱

همه مشمول عفو و رحمت حضرت حق شده‌اید، مگر اهل تبعات [مقصود متجاوزان به حقوق مردم است]؛ چه آنکه خدا عادل است و حق ضعیف را از قوی خواهد گرفت.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «از پیامبر (ص) سؤال شد: مجرم‌ترین و گناه‌کارترین اهل عرفات کیست؟» پیامبر (ص) فرمود:

أَلَّذِی یَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفاتٍ وَهُوَ یَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ. . . . (۱)

آن که از عرفات بر گردد و گمان کند، مورد آمرزش خداوند متعال قرار نگرفته است.

امام صادق (ع) در توضیح این سخن می‌فرماید: «

یَعنی الَّذی یَقنَطُ مِن رَحمَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ »(۲)؛ «یعنی، کسی که از رحمت خداوند متعال مأیوس و نا امید باشد» .

همچنین، پیامبر (ص) فرمود: «

مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ، لا تُغْفَرُ إلّا بِعَرَفاتٍ » (۳)؛ «بخشی از گناهان، گناهانی هستند، که جز در عرفات بخشیده نمی‌شوند» .

و نیز فرمود:

فَإذا وَقَفْتَ بِعَرَفاتٍ. . . فَإِنْ کانَ عَلَیْکَ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عالِجٍ أَوْ بِعَدَدِ نَجُومِ السَّماءِ أَوْ قَطْرِ المَطَرِ لَغَفَرَهَا اللهُ لَکَ. . . . (۴)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷؛ الجعفریات، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، ص ۱۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰.

۲- همان؛ الجعفریات، ص ۱۱۳.

۳- الجعفریات، ص ۱۱۳، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰؛ ر. ک: وافی، ج۲، ص۴۲؛ کافی، ج۴، ص۲۶۲.

۴- تهذیب، ابوجعفر محمد بن حسین طوسی، ج ۵، ص ۲۵.

ص:۱۰۲

آن‌گاه که در عرفات وقوف کنی، چنانچه گناهانت به تعداد شن‌های شن‌زار یا ستارگان آسمان یا قطرات باران باشد، خداوند آنها را خواهد بخشید.

امام صادق (ع) فرمود:

هیچ مرد مؤمنی، از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند، جز آنکه خداوند، اهالی مؤمن آن محل را ببخشاید و هیچ مرد مؤمنی از خانواده‌ای با ایمان، در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خداوند، مؤمنان از آن خاندان را بیامرزد .(۱)

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:

آمرزش بر اهل عرفات در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه نازل می‌شود. آن‌گاه شیطان بر سر خویش خاک ریخته، شیون و زاری می‌کند. پس دیگر شیاطین گرداگرد او جمع شده، می‌گویند: «تو را چه شده است؟ !» می‌گوید: «مردمی که در مدت شصت، هفتاد سال نابودشان کردم، در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند» .(۲)مرادِ شیطان، حاجیانی هستند که در عرفات حاضر شده‌اند.

پیامبر (ص) فرمود: «کسی که گوش و چشم و زبانش را در روز عرفه نگه دارد، خداوند او را از عرفه تا عرفه دیگر حفظ می‌کند» (۳).

ابن عباس در مورد حدیث فوق آورده است:

فضل بن عباس (در عرفات) ، کنار رسول خدا (ص) ایستاده بود و به زنان نگاه

۱- وافی، ج ۲، ص ۴۲.

۲- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۱۵.

۳- همان، ص ۱۸.

ص:۱۰۳

می‌کرد، پیامبر (ص) چشم او را برگردانید و فرمود: «امروز روزی است که اگر کسی گوش و چشم و زبانش را جز از حق، نگه دارد، گناهش آمرزیده می‌شود» .(۱)

ابن عباس می‌گوید:

پیامبر (ص) را در غروب روز عرفه در عرفات دیدم که دست‌هایش را تا سینه بالا آورده، دعا می‌کرد؛ همان‌گونه که مسکین از دیگران غذا طلب می‌کند.(۲)

در روایتی آمده که بیشترین ذکر رسول خدا (ص) در روز عرفه، این عبارت بود: «

لا إله إلّا الله وَحده لا شريك له، له المُلك وَ لَه الحَمد وَ هُو عَلى كُلِّ شَيءٍ قَدير » .(۳)

عبیدالله بن گریز نیز می‌گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «برترین دعا، دعای روز عرفه است» .(۴)

ه) عرفات، درِ ورود به حرم

از امیرمؤمنان علی (ع) دربارهٔ راز وقوف در عرفات و عدم وجوب وقوف در حرم، سؤال شد، حضرت فرمود:

لأنَّ الكَعْبَةَ بيتُهُ والحَرَمَ بابُهُ فَلَمّا قَصَدُوهُ وافِدينَ وَقَفَهُم بِالبابِ

۱- اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۲۴.

۳- همان.

۴- همان، ص ۲۵.

ص:۱۰۴

یَتَضَرَّعُونَ.

چون کعبه، خانه خداست و حرم، درِ آن خانه است. پس چون آهنگ آن را کنند خداوند آنها را کنار آن در نگه دارد تا به درگاهش تضرّع کنند.

سؤال شد: چرا مشعرالحرام در حرم قرار داده شد؟ حضرت (ع) فرمود:

لأَنَّهُ لمّا أذنَ لَهمْ بِالدُّخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجابِ الثَّانِی فَلَمَّا طَالَ تَضَرُّعُهُمْ بِهَا أذنَ لَهمْ لِتَقْرِیبِ قُرْبَانِهِمْ فَلَمَّا قَضَوْا تَفَثَهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِی کَانَتْ حِجَاباً بَیْنَهُمْ وَبَیْنَهُ أذنَ لَهَمْ بالزِّیَارَةِ عَلَی الطَّهَارَهِ.(۱)

چون وقتی خداوند به زوّار اذن دخول داد، آنها را در حجاب دوم نگاه داشت و هنگامی که تضرع آنها در آنجا به درازا انجامید، بدان‌ها رخصت داد تا قربانی‌های خود را نزدیک کنند تا چون پلیدی و چرک خود را گذاردند و به قربانی‌ها از گناهانی که میان آنها و خدا حجاب شده بود، پاک شدند، اجازه دهد با طهارت، بیت‌الله را زیارت کنند.

و) مقام شفاعت

خداوند به حج‌گزار مقام شفاعت می‌دهد. اگر کسی توفیق زیارت خانه خدا را پیدا کرد، در آخرت از دیگران می‌تواند شفاعت کند. این مژده را امام جعفر صادق (ع) داد:

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۱۵۹و ۱۶۰

ص:۱۰۵

کسی که در عرفات وقوف کند، برای هر کس دعا کند، اجابت می‌شود. حاجی شفاعتش برای فرزندانش، اهل خانه‌اش و همسایگانش پذیرفته می‌شود.(۱)

شفاعت فقط در اختیار خداست. افراد تنها با اذن خداوند می‌توانند به این مقام بزرگ دست یابند و تنها شفاعت این دسته از انسان‌هاست که پذیرفته می‌شود.

یَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلاً (طه:۱۰۹)

در آن روز، شفاعت هیچ [کس] سود نبخشد، جز آن کسی که خدای رحمان به او اذن داده و از گفتار او راضی است.

خداوند مقام شفاعت را به بعضی از انسان‌ها داده است. انبیا و اولیا، صاحبان شفاعت الهی‌اند. شهدا هم اجازه شفاعت دارند.

۳. عرفات در آیینهٔ کلام بزرگان اهل سلوک

الف) توصیه‌های اخلاقی

عارف روشن‌ضمیر، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی (رحمه‌الله) گوید:

منتهای جدّیت خود را به خرج بده که در عرفات، به کمال معرفت نائل شوی و بدان که اجتماع حاجیان برای دعا در یک میدان و صحنه واحد، به‌ویژه به لحاظ حضور صالحان و اهل باطن از ابدال و اوتاد یا غیر آنها از

۱- جعفریات، ص ۶۶.

ص:۱۰۶

کاملان - که هیچ وقت حج از بعضی از آنان خالی نیست-، لامحاله با اجتماع دل‌ها و همت‌ها، برای طلب نزول رحمت و طلب باران، ابرهای جود و کرم که گردن‌ها کشیده و دیده‌ها خیره شده [برای آن] و تضرع و زاری و ابتهال خود، شاید علت تامه اجابت دعا باشد و برای اجتماع دل‌ها و همت‌ها، تأثیر خاصی است در انجام مقاصد و وصول به مطالب. از این رو، گفته‌اند: «از عظیم‌ترین گناهان آن است که کسی در عرفات حاضر شود و گمان کند که خدای تعالی او را نیامرزیده است» .(۱)

استاد عارفان، شیخ محمد بهاری همدانی نیز گوید:

در عرفات، از این ازدحام خلق و بلندکردن صداهای خودشان به انواع تضرع و زاری و التماس به اختلاف زبان‌ها و افتادن هر گروهی پی‌ائمه خودشان و نظر به شفاعت او داشتن، حکایت محشر را یاد آورد. اینجا کمال تضرع و الحاح را بکند تا آنجا مبتلا نشود و بسیار ظن قوی داشته باشد بر حصول مراداتش؛ زیرا که روز شریف و موقف عظیم و نفوس مجتمع و قلوب به سوی الهی منقطع و دست‌های اولیا و غیرهم به سوی او -جلّ شأنه- بلند شده و گردن‌ها به سوی او کشیده شده، چشم‌ها از خوف او گریان و بندها از ترس او لرزان و روز، روز احسان و ابدال و اوتاد در محضر حاضر. بنای سلطان بر بخشش و انعام و همچنین روز خلعت‌پوشی صدراعظم دولت عِلّیِه عَجَّلَ اللهُ فَرَجِه وسَهَّل مَخْرَجَهَ [است]. در چنین روزی، استبعاد ندارد، حصول فیض به اعلا مدارجه بالنسبه به کافه ناس و

۱- المراقبات، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، ج ۲، ص ۲۲۵.

ص:۱۰۷

خلایق. آیا گمان به خالق خود داری که سعی تو ضایع گرداند، یا اینکه منقطع شده‌ای از اهل و اولاد و وطن. آیا رحم نمی‌کند غربت تو را

«ماهکَذَا الظَّنُّ بِهِ وَلا المَعْرُوفُ مِن فَضْلِه» [: چنین گمانی به او نیست و آنچه از فضل او معروف است، این نیست] و از اینجاست که در حدیث وارد شده [است]:

«من اعظم الذُّنوبِ ان یَحْضُرَ العَرَفاتِ ویَظُنَّ انَّهُ لایُغْفَرُ لَهُ» .(۱)

عارف ربانی ملا احمد نراقی نیز نویسد:

[حج‌گزار] چون به عرفات حاضر شد، نظر به ازدحام خلایق کند و ببیند که مردمان به لغت‌های مختلف، صداها بلند کرده‌اند و هر یک به زبانی به تضرع و زاری مشغول‌اند و هر کدام به طریقه امام و پیشوای خود، آمد و شد می‌کنند [پس]، یاد آورد عرصه قیامت و احوال آن روز پر هول و وحشت را و پراکندگی مردمان را در آنجا، حیران و سرگردان و هر امتی به‌گرد پیغمبر و امام خود جمع شده و چشم شفاعت بر او انداخته. پس، چون به این فکر افتاد، دست تضرع بردارد و با نیت خالص به درگاه خدا بنالد که خدا حج او را قبول کند و او را در زمره رستگاران محشور سازد و چنان داند که نومید نخواهد شد؛ چه آنکه روز، روز شریف و موقف، موقف عظیمی است و بندگان خدا از اقطار زمین در آنجا جمع‌اند و دل‌های همه، به خدا منقطع است و همت‌های همه مصروف دعا و سؤال است و دست‌های همه به درگاه پادشاه بی‌نیاز بلند است و همگی چشم بر در فیض

۱- تذکرهٔ المتقین، شیخ محمدبهاری، صص ۹۱ و ۹۲.

ص:۱۰۸

و رحمت او انـداخته و گردن‌ها به لطف و کرم او کشـیده و البته چنین موقفی از نیکان و اخیار خالی نیست، بلکه ظاهر آن است که ابدال و اوتاد ارض، در خدمت صاحب عصـر در آنجا حاضـرند. پس دور نیست که از حضرت ذوالجلال، به واسطه دل‌های پاک و نفوس مقـدسه و رحمت برکـافه مردمان، فائض شود و چنان گمان نکنی که همه این خلایق، آنجا جمع‌انـد و با هزار امیـدواری، راه دور و درازی پیمـوده و اهـل و وطـن را دور افکنـده و کربـت و غربـت بر خـود قرار داده و رو بـه در خـانه چنین کریمی آورده‌انـد، خداونـد کریم همه را ناامیـد کنـد و سـعی‌شان را نـابود سـازد و بر غریبی ایشـان ترحم نکنـد؟ زینهـار! زینهار! دریای رحمت از آن وسیع‌تر است که در چنین حالی تنگی کند و از این جهت، رسیده است که بدترین گناهان آن است که آدمی به عرفات حاضر شود و چنان گمان کند که خدا او را نیامرزیده است.(۱)

آری! میهمان حق، در عرفه با خدایش صحبت و راز و نیاز می‌کند و در مناجات خود، شرح پریشان‌حالی و درماندگی خود را، یک به یک یادآور می‌شود.

در این زمینه، صاحب کتاب «الحقایق» گوید:

در آنجا بایـد با کمال تضـرع و زاری، به حضـرت کردگار توجه پیـدا کنـد تا وی را در جمله رسـتگاران و مرحومان قرار دهد و تیر آرزویش را به

۱- معراج السعادهٔ، ملا احمد نراقی، صص ۷۰۰ و ۷۰۱؛ ر. ک: جامع السعادات، ملامهدی نراقی، ج ۳، ص ۳۹۴.

ص:۱۰۹

هـدف اجـابت برسانـد. موقف [عرفات]، مکان شـریفی است و رحمت واسـعه الهی، به برکت نفس گرم او. . . ریزش دارد و شـکی نیست که در عرفات، گروهی از صالحان و پاکیزه‌دلان موجودنـد و چون همه به اجتماع، از در زاری و تضـرع درآینـد و دست‌ها به جانب آسـمان بلند سازند و گردن‌ها کشیده، چشمِ انتظار بگشایند و از وی طلب آمرزش کنند، بلاشک، آرزوهایشان برآورده شده و سعی‌شان مشکور است.(۱)

ب) داستان‌های عرفانی

اظهار پشیمانی از اعمال گذشته

روزبهان بقلی شیرازی، در عرفات ایستاده بود. وقت دعا، خلق دست برداشته بودند و دعا می‌کردند و حاجت می‌طلبیدند.

جوانی را دید خاموش بود. شخصی بر او رفت و گفت: «ای جوان! زمان اجابت است. مکانی مکرم است و زمانی معظم. چرا دعایی نمی‌کنی و حاجتی نمی‌طلبی و دستی برنمی‌داری؟»

گفت: «ای عزیز! چه کنم؟ اگر زبان است، آلوده است از غیبت و اگر دست است، در معصـیت. دست و زبانی ندارم که شایسـته آن باشد که حاجتی طلبم یا به دعایی بردارم. مرا روی خواستن و طلب کردن و گفتن نیست. اگر تو را هست، بگو و بخواه» .(۲)

۱- الحقایق، ص ۵۳۶.

۲- روز بهان‌نامه، ص ۱۱۶؛ داستان عارفان، محمدتقی فعالی، صص ۴۴ و ۴۵.

ص:۱۱۰

پاداش عمل

هزار بار پیاده طواف کعبه کنی قبول حق نشود گر دلی بیازاری(۱)

شخصی به نام عبدالجبار مستوفی به حج می‌رفت. او هزار دینار زر همراه خود داشت. روزی از کوچه‌ای در کوفه رد می‌شد که اتفاقاً به خرابه‌ای رسید. زنی را دید که در آنجا جست‌وجو می‌کرد و دنبال چیزی بود. ناگاه در گوشه‌ای مرغ مرده‌ای را دید، آن را زیر چادر گرفت و از آن خرابه دور شد.

عبدالجبار با خود گفت: «همانا این زن احتیاج دارد، باید ببینم که وضع او چگونه است؟» در عقب او رفت تا اینکه زن داخل خانه‌ای شد.

کودکانش پیش او جمع شدند و گفتند: «ای مادر! برای ما چه آورده‌ای که از گرسنگی هلاک شدیم؟» زن گفت: «مرغی آورده‌ام تا برای شما بریان کنم» .

عبدالجبار چون این سخن را شنید، گریست و از همسایگان آن زن، احوالش را پرسید. گفتند: «زن عبدالله بن زید علوی است. شوهرش را حجاج کشته و کودکانش را یتیم کرده است. مروت خاندان رسالت وی را نمی‌گذارد که از کسی چیزی طلب کند» .

عبدالجبار با خود گفت: «اگر حج خواهی کرد، حج تو این است» . آن هزار دینار زر از میان باز کرد و به آن خانه رفت و کیسه زر را به زن

۱- مولوی.

ص:۱۱۱

داده، بازگشت و خودش در آن سال، در کوفه ماند و به سقایی مشغول شد. چون حاجیان مراجعه کردند و به کوفه نزدیک شدند، مردمان به استقبالشان رفتند. عبدالجبار نیز رفت. چون نزدیک قافله رسید، شترسواری جلو آمد و بر وی سلام کرد و گفت: «ای خواجه عبدالجبار! از آن روز که در عرفات، هزار دینار به من سپرده‌ای، تو را می‌جویم. زر خود را بستان» . آن فرد ده‌هزار دینار به وی داد و ناپدید شد.

آوازی برآمد که ای عبدالجبار! هزار دینار در راه ما بذل کردی، ده هزار دینارست فرستادیم و فرشته‌ای را به صورت تو خلق کردیم تا از برایت هر ساله حج گزارد تا زنده باشی که برای بندگانم معلوم شود که رنج هیچ نیکوکاری به درگاه ما ضایع نیست.(۱)

غفّارالذّنوب

یکی از بزرگان پادشاه ستمگری را دید که در عرفات، پای برهنه روی سنگریزه‌های گرم ایستاده و دست به دعا برداشته بود و می‌گفت: «بار خدایا! تو تویی و من منم. کار من آن است که هر زمان سر تا پا غرق گناه شدم و کار تو آن است که غفّارالذّنوب هستی. بر من رحمت کن» . یکی از بزرگان گفت: «بنگرید که جبّار زمین پیش جبّار آسمان چه راز و نیاز می‌کند» .(۲)

۱- مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ الرسالهٔ العلیهٔ، صص ۹۴ و ۹۵؛ ریاحین، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲- کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، ص ۱۰۰.

ص:۱۱۲

رحمت بی‌منتهای الهی

نقـل اسـت کـه «فضـیل عیـاض» روزی بـه عرفـات ایسـتاده بـود و در خلـق نظـاره می‌کرد و تضـرع و زاری خلاـیق می‌شـنید. گفت: «سبحان‌الله! اگر چندین خلایق نزدیک شخصـی روند و از وی مقداری زر خواهند، ایشان را ناامید نگرداند. بر تو که خداوند کریم غفاری، آمرزش ایشان آسان‌تر است از مقداری زر بر آن مردم و تو اکرم الاکرمینی. امید آن است که همه را بیامرزی» .(۱)

امید به درگاه خداوند

(۲)

زیر شمش–یرِ غمش، رقص‌کنان باید رفت کانکه شد کشتهٔ او، نیک سرانجام افتاد

مالک بن دینار گوید که سفر حج کردم، جماعتی را در عرفات دیدم. به خود گفتم: «کاش می‌دانستم حج کدام یک از اینها مقبول است، تا او را تهنیت بگویم و حـج کـدام یک مردود است، تا او را تعزیت بـدهم» . در خواب دیـدم گوینـده‌ای می‌گویـد: «خداوند همه این جماعت را به نعمت

۱- تذکرهٔ الاولیاء، عطار نیشابوری، ص ۷۵.

۲- آیه‌های بسیاری از قرآن کریم به امید بر رحمت خداوند اشاره دارند: قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ زمر:۵۳ وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ اعراف:۵۶ تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ سجده:۱۶ رَغَباً وَ رَهَباً وَ کانُوا لَنا خاشِعِینَانبیاء:۹۰

ص:۱۱۳

مغفرت معزز فرموده، مگر محمد بن هارون بلخی را که حج او مردود است» . زمانی که صبح شد، به نزد اهالی خراسان آمدم و از ایشان احوال محمد بن هارون بلخی را پرسیدم، گفتند: «آن مردی عابد و زاهد است. او را در خرابه‌های مکه باید پیدا کنی» . بعد از گردش زیاد، او را در خرابه‌ای دیدم که دست او در گردنش بسته و زنجیر در پاهایش بود و او در حالت نماز است. همین که مرا دید، پرسید: «تو کیستی؟» گفتم: «مالک بن دینار» . گفت: «خواب دیده‌ای؟» گفتم: «آری!» گفت: «هر سال مردی صالح مثل تو، در خصوص من خواب می‌بیند» . گفتم: «سبب این امر چیست؟» گفت:

من شراب می‌خوردم، مادرم هم مانع می‌شد. روزی من با حالت مستی او را اذیت فراوان کردم و. . . پس از آنی که از مستی به حال آمدم، زنم مرا خبردار کرد که به چنین کار بدی دست زده‌ام. آن دست خودم را بریدم و پایم را به زنجیر بستم و هر سال، حج می‌کنم و دعا و استغاثه می‌نمایم و می‌گویم: «ای کاشف همّ و غمّ! شفا ببخش همّ و غمّ مرا و راضی فرما مادر مرا تا از جرم و تقصیر من عفو کند» . این‌قدر بدان که بعداً از عمل خود دست کشیدم و ۲۶ غلام و کنیز آزاد کردم و. . .

مالک گوید: «گفتم ای مرد! نزدیک بود با این عملت، تمام روی زمین را بسوزانی» . مالک گوید که همان شب، حضرت رسول (ص) را در خواب دیدم، فرمود:

ای مالک! مردم را از رحمت خدای تعالی محروم نگردان. دانسته باش که خدای تعالی به حال محمد بن هارون توجه فرمود و دعای او را مستجاب

ص:۱۱۴

کرد و گناهانش را عفو نمود. او را خبردار نما که سه روز از روزهای دنیا، در میان آتش می‌ماند، خداوند دل مادر او را به وی مایل می‌کند و به ترحم می‌آورد و تا مادرش او را حلال می‌کند، مادر و فرزند هر دو با هم، داخل بهشت می‌شوند.

مالک گوید:

من آمدم و خواب خود را به او نقل کردم. همین که این مژده را شنید، روح او از بدنش مفارقت کرد. من او را غسل دادم و کفن کردم. سپس بر او نماز خواندم و دفنش نمودم.(۱)

عرفات، تجلی‌گاه لطف الهی

روزی جناب میرزا مهدی آشتیانی در منزل مرحوم آیت‌الله حجّت بودند. ایشان در آنجا چنین تعریف کردند که اینجانب دچار یک بیماری سختی شدم که برای معالجه آن، هم در کشور بسیار تلاش کردم و هم به خارج از کشور سفر کردم، اما معالجه نشد و از باز یافتن سلامتی خویش نومید شدم.

در سال ۱۳۶۵ه. ق که توده‌ای‌ها، تسلط شوم خود را بر شمال و آذربایجان استحکام بخشیدند، اینجانب با اتوبوس عازم مشهد بودم که در میان راه، حالم به هم خورد؛ به‌گونه‌ای که راننده و مسافران اتوبوس فکر کردند دچار سکته قلبی شده‌ام. به همین جهت، ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند تا برای نجات من کاری بکنند.

۱- رنگارنگ، علی‌اکبر عماد، ج ۲، ص ۶۳.

ص:۱۱۵

اما من در همان حال، در عالم دیگری بودم. دیدم که در صحرای عرفات هستم و انوار بسیاری در آنجا به آسمان پرتوافکن است و انبوه مردم بدان سو چشم دوخته‌اند، پرسیدم: «چه خبر است؟» گفتند: «پیامبر گرامی (ص) حضور دارند» .

به سوی آن حضرت رفتم که دیدم چهارده خیمه در کنارهم به یکدیگر نصب شده که بزرگ‌ترین آنها از آن پیامبر (ص) است. وارد شدم و ضمن عرض سلام، خواستم بیماری خود را بازگویم که پیامبر با مهر و محبّت بسیاری فرمودند: «از آنجایی که شما زائر پسرم رضا هستی، برو به خود او بگو» . به خیمه حضرت رضا (ع) رفتم و پس از عرض سلام، سه حاجتی که داشتم باز گفتم. آن حضرت جواب مرا دادند. در این حال بود که به هوش آمدم، دیدم در میان بیابان و در حلقه مسافران اتوبوس هستم.

در آن محفل، آیت الله حجّت اظهار داشتند:

من مدت‌ها در مورد این روایت که می‌فرماید: «إنّ الله یَتَجلّی لأَهْلِ عَرَفاتٍ» ؛ «خداوند تجلّی می‌کند بر اهل عرفات» ، می‌اندیشیدم و اکنون برای من روشن شد که تجلّی خدا در عرفات، عبارت از تجلی پیام‌آور او بر مردم و تجلی خدا بر پیامبر گرامی (ص) و خاندان وحی و رسالت (علیهم‌السلام) است.(۱)

کِی رف-تهای ز دل که تم-نا کنم تو را کِی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکردهای که شوم طالب حضور پنهان نگشتهای که هویدا کنم تو را (۲)

۱- کرامات صالحین، محمدرازی شریف، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲- فیض کاشانی.

ص:۱۱۶

ص:۱۱۷

گفتار سوم: صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی

اشاره

مدّعی خواست که آید به تماشاگه راز دست غیب آمد و بر سینه‌نامحرم زد(۱)

۱. وقوف انبیای عظام (علیهم‌السلام) در صحرای عرفات

الف) حضرت آدم (ع) و صحرای عرفات

خداوند متعال می‌فرماید:

فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ (بقره:۳۷)

آدم (ع) از پروردگارش کلماتی دریافت داشت [و با آنها توبه کرد] و خداوند، توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است.

۱- حافظ.

ص:۱۱۸

طبق روایت امام صادق (ع) ، حضرت آدم (ع) پس از خروج از جوار خداوند و فرود به دنیا، چهل روز هر بامداد بر فراز کوه «صفا» با چشم‌گریان در حال سجود بود؛ تا اینکه جبرئیل بر او فرود آمد و پرسید: «ای آدم! چرا گریه میکنی؟» حضرت آدم (ع) پاسخ داد: «چگونه میتوانم گریه نکنم، در حالی که خداوند مرا از جوارش بیرون رانده و در دنیا فرود آورده است» . جبرئیل فرمود: «ای آدم! به درگاه خدا توبه کن و به سوی او باز گرد» . حضرت آدم (ع) گفت: «چگونه توبه کنم؟» جبرئیل در روز هشتم ذیالحجه آدم را به منا برد. آدم (ع) شب را در آنجا ماند و صبح، با جبرئیل به صحرای عرفات رفت. جبرئیل به هنگام خروج از مکه، احرام بستن را به او یاد داد و به او لبیک گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسید، تلبیه را قطع و به دستور جبرئیل غسل کرد و پس از نماز عصر، آدم (ع) را به وقوف در عرفات واداشت و کلماتی که از پروردگار دریافت کرده بود را به وی تعلیم داد. این کلمات عبارت بودند از:

سُبْحانَکَ اللّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ لا اِلهَ إِلّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسی وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبی اِغْفِرْلی اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.

خداوندا! با ستایشت، تو را تسبیح میگویم. جز تو خدایی نیست کار بد کردم و به‌خود ظلم نمودم. به‌گناه خود اعتراف میکنم؛ تو مرا ببخش که تو بخشنده مهربانی.

حضرت آدم (ع) تا هنگام غروب آفتاب، همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک میریخت. هنگامی که آفتاب غروب کرد،

ص:۱۱۹

همراه جبرئیـل، روانـهٔ مشـعر شـد و شب را در آنجـا گذرانـد و صـبح گاهان، در مشـعر به پاخـاست و در آنجـا نیز بـا کلماتی به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه کرد.(۱)

عرفات، جایگاه شـناخت و معرفت خداوند متعال است. در عرفات، حجاب‌ها از جلوی چشـمان حضـرت آدم (ع) برداشته شد که در ساق عرش اسمای مقدّس خَمسهُٔ النُجباء را دید و به تعلیم جبرئیل گفت: «

یا حَمیدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یا عالی بِحَقِّ عَلیٍّ یا فاطِرُ بِحَقِّ فاطِمَهَٔ یا مُحْسِنُ بِحَقِّ الَحسَنِ وَالُحسَیْنِ. . . وَمِنْکَ الْإِحْسانُ » .

همین که اسم امـام حسـین (ع) را بر زبان جاری کرد، اشک از چشم‌هایش ریخته، قلبش پریشان شـد. سـببش را از جبرئیل پرسـید و جبرئیل مصیبت آن حضرت را بیان فرمود. حضرت آدم (ع) و ملائکه گوش داده، گریه میکردند.(۲)

ب) حضرت ابراهیم (ع) و صحرای عرفات

جبرئیـل در ظهر روز عرفه، به ابراهیم (ع) گفت: «ای ابراهیم! به گناهـان خـود اعـتراف کن و مناسـک را بشـناس» . از این جهت که جبرئیل به آن حضرت گفت: «

اِعتَرِف » ، آنجا را عرفات نامیدند. در جهت شمالی این دشت، کوهی است که «جبل‌الرحمهٔ» نام دارد. در این وادی، ابراهیم (ع)

۱- تفسیر برهان، سیدهاشم بحرانی، ج۱، ص۸۶.

۲- بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۴۵.

ص:۱۲۰

چگونگی عمل حج را از فرشته وحی جبرئیل آموخت و در برابر جبرئیل می‌فرمود: « عرفتُ، عرفتُ » ؛ «شناختم، شناختم» .

ج) حضرت خضر (ع) و صحرای عرفات

امام رضا (ع) فرموده‌اند:

خضر (ع) از آب حیات نوشید. پس، زنده است و نمی‌میرد، تا در صور، دمیده شود. او نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدایش را می‌شنویم؛ ولی خودش را نمی‌بینیم. همانا او در آنجا حضور می‌یابد که یاد شود. پس هر یک از شما که او را یاد کرد، بر او سلام دهد. همانا او هر سال، در موسم حج، حضور می‌یابد و همه عبادات را انجام می‌دهد و در عرفات، وقوف می‌کند و به دعای مؤمنان، «آمین» می‌گوید. به زودی، خداوند به واسطه او، وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می‌کند و تنهایی‌اش را به وسیله او، وصل می‌گرداند.(۱)

د) پیامبر گرامی اسلام (ص) و صحرای عرفات

دامنهٔ کوه عرفات در زمان صدر اسلام، کلاس صحرایی پیامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفتهٔ مفسران، آخرین سورهٔ قرآن در صحرای عرفات بر پیامبر (ص) نازل شد(۲)و پیامبر (ص) این سوره را که از جامع‌ترین

۱- کمال‌الدین، ابن بابویه قمی صدوق، ص۳۹۰؛ به نقل از: الخرائج و الجرائح، حسن بن علی بن فضال، ج۳، ص۱۱۷۴. به نقل از امام عسکری۷. همچنین ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۳ ص ۲۹۹.

۲- تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، ج۳، ص ۱۵۰؛ تفسیر البرهان، ج۱، ص ۴۳۰.

ص:۱۲۱

سوره‌های قرآن و دارای پیمان‌های گوناگونی با ملل یهود، مسیحی و مسلمان و علمای آنهاست و قوانین و احکام کلی اسلام را در بردارد، به مردم و شاگردانش تعلیم فرمود.

طبق نقل مشهور میان محدثان، در چنین روزی، پیامبر (ص) در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج فرمودند:

. . . ای مردم! سخنان مرا بشنوید؛ شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم. . . شما به زودی به سوی خدا باز میگردید. در آن جهان، به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود. من به شما توصیه میکنم هرکس امانتی نزد اوست، باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم! بدانید ربا در آیین اسلام، اکیداً حرام است. از پیروی شیطان بپرهیزید. به شما سفارش میکنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانتهای الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند. . .(۱)

۲. حضور امام عصر (عج) در عرفات

اشاره

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید

صبا بگو که چِها بر سرم درین غم عشق ز آتش دل سوزان و دود آه رسید

زشوق روی تو شاها بدین اسیر فراق همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید

مرو بخواب که حافظ به‌بارگاه قبول ز ورد نیم‌شب و درس صبح‌گاه رسید(۲)

۱- السّیرة النّبویة، ابن هشام، ج۴، ص ۲۵۰.

۲- حافظ.

ص:۱۲۲

امام سجاد (ع) در دعای روز عرفهٔ خود، می‌فرماید:

أللّهُمَّ إِنَّکَ أیَّدْتَ دینَکَ فی کُلِّ أوانٍ بِإمامٍ أقَمْتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ، وَ مَناراً فی بِلادِکَ بَعْدَ أنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّریعَةَ إلی رِضْوانِکَ، وَ افْتَرَضْتَ طاعَتَهُ وَ حَذَّرْتَ مَعْصِیَتَهُ، وَ أمَرْتَ بِامْتِثالِ أوامِرِه، وَ الاِنْتِهاءِ عِنْدَ نَهْیِه، وَ ألّا یَتَقَدَّمَهُ مَتَقَدِّمٌ، وَ لایَتَأخَّرَ عَنْهُ مُتَأخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللائِذینَ، وَ کَهْفُ الْمُؤْمِنینَ، وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّکینَ، وَ بَهاءُ الْعالَمینَ.

خدایا! در هر زمان دین خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را برپای داشته‌ای تا علمِ راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزان هدایت گردد و در رشته پیمان او، به رشته پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او را فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای به هرچه امر می‌کند، اطاعت کنند و از هرچه نهی می‌کند، باز ایستند و کسی بر او پیشی نگیرد و کسی از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جِلوه جهانیان است.

اگرچه حُسن‌فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحت به‌یار ما نرسد

به‌حق‌صحبت دیرین که هیچ محرمِ راز به یار یک جهت حق‌گزار ما نرسد

هزار نقش برآید ز کلک صنع یکی به دل‌پذیری نقش نگار ما نرسد

هزار نقد به بازارِ کائنات‌آرند یکی به سکّهٔ صاحب عیار ما نرسد

ص:۱۲۳

الف) مغتنم شمردن فرصت حضور در سرزمین عشق

فرصت شمار صحبت کز این دو راه منزل چون بگذریم دیگر، نتوان به هم رسیدن

زائر خانه خدا، باید از این فرصت به دست آمده و شرایط استجابت دعا استفاده کند و خودش را در میان صدها هزار دست و قلب و زبانی که به یاد خدا به حرکت و اهتزاز درآمده‌اند، بیندازد و از برکت این مکان شریف و زمان مقدّس و احترام زائران و مهمانان، به‌ویژه قافله‌سالار این کاروان، حضرت مهدی (عج) که همه ساله در موسم حج و موقف عرفات تشریف فرما هستند، بهره بگیرد و این بشارتی برای ما سیه‌رویان و گنه‌کاران است؛ زیرا در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

یَفْقِدُ النَّاسُ اِمامَهُمْ فَیَشْهَدُ المَوْسِمَ فَیَراهُمْ وَ لایَرَونَهُ.(۱)

مردم امام خود را گم می‌کنند؛ او در موسم حج در بین مردم است و آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌بینند.

محمّد بن عثمان عمری از نوّاب خاصّ امام زمان (عج) ، دربارهٔ حضور صاحب‌الامر (عج) در عرفات چنین می‌گوید:

وَاللهِ اِنَّ صاحِبَ هذَا الاَمْرِ لَیَحْضُرُ المَوسِمَ کُلَّ سَنَةٍ یَرَی النَّاسَ وَ یَعْرِفُهُمْ وَ یَرَوْنَهُ وَ لا یَعْرِفُونَهُ.(۲)

سوگند به خدا که صاحب الامر هر سال در موسم حاضر است، مردم را می‌بیند و می‌شناسد. مردم نیز او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

۱- کمال الدین، ص ۳۴۶.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ص:۱۲۴

ب) حکایت‌هایی در مورد وصال به حضرت ولی‌عصر (عج)

یاری حجّاج به وسیله امام عصر (عج)

شخصی از اهل مدائن گوید: من با رفیقم به حجّ رفته بودیم. چون به موقف عَرفات رسیدیم، جوانی را دیدیم نشسته و لُنگ و روپوشی در بَر کرده و نعلین زردی در پا دارد. لُنگ و روپوش او به نظر من ۱۵۰ دینار ارزش داشت و علامت و اثر سفر در او نبود. گدایی نزد ما آمد، او را رد کردیم. سپس نزد آن جوان رفت و سؤال کرد، جوان چیزی از زمین برداشت و به او داد. گدا او را دعا کرد و زیاد و جدی هم دعا کرد. سپس جوان برخاست و از نظر ما پنهان شد. ما نزد آن سائل رفتیم و به او گفتیم: «عجبا! به تو چه عطا کرد؟» گفت: «او به ما ریگ طلای دندانه‌داری نشان داد که قریب بیست مثقال بود» . من به رفیقم گفتم: «مولای ما نزد ما بوده و ما ندانستیم و آن‌گاه به جُست‌وجویش برخاستیم و تمام موقف را گردش کردیم و او را به دست نیاوردیم» . سپس از جمعیتی که اطرافش بودند از اهل مکه و مدینه، راجع به او پرسیدیم، گفتند: «جوانی است علوی که هر سال پیاده به حجّ می‌آید» .(۱)

بدین ترتیب، از ظهور معجزه به دست آن حضرت که سنگ را طلا کرد، دریافتند که او، امام عصر (عج) است. ولی پیداست که دلالت این روایت بر دیدن آن حضرت چندان روشن نیست.

۱- اصول کافی، ج۲، ص۱۲۵.

ص:۱۲۵

ای دل! اگر عاشقی، در طلب یار باش

صاحب معالم، امام زمان (عج) را در عرفات زیارت کرد. صاحب درّالمنثور آورده است که از بعضی از استادان خود و غیر ایشان شنیدم که هرگاه شیخ حسن (صاحب معالم‌الاصول) از برای حج می‌رفت، به اصحاب خود می‌گفت: «از خدای عزّوجل امید دارم که به زیارت جمال بی‌کمال حضرت صاحب‌العصر و الزمان (عج) مشرّف شوم؛ زیرا آن حضرت هر سال به حجّ تشریف می‌آورد» . پس چون شیخ حسن در مناسک حج، وقوف عرفه را به‌جا آورد و خواست که در گوشه تنهایی، به فراغ خاطر، مشغول ادعیه عرفه شود، به اصحاب خود فرمود: «از خیمه بیرون روید و بر در خیمه نشسته، مشغول دعا باشید» .

در این اثنا، شخصی داخل خیمه شد که شیخ حسن او را نمی‌شناخت و سلام گفت و نشست. شیخ حسن گوید: «از آمدن او، هیبت بر من غالب شد و مبهوت شدم و قدرت بر سخن گفتن نداشتم. پس او با من سخن گفت به کلامی که یاد ندارم. سپس برخاست و چون از خیمه بیرون رفت، چیزی که امید آن را داشتم، به خاطرم رسید. با عجله تمام برخاستم، پس او را ندیدم و از اصحاب خود پرسیدم. گفتند: ما کسی را ندیده‌ایم که داخل خیمه شما شده باشد» .(۱)

۱- نجوم السّماء، فی تراجم العلماء، محمدعلی آزاد کشمیری، ص ۷.

ص:۱۲۶

بدین ترتیب، سرزمین عرفات، همچون مغناطیس و آهن‌ربا که آهن را به خود جذب می‌کند، عارفان و عاشقانِ یگانه معشوق عالم هستی را به سوی خود می‌کشاند و از همین روست که این سرزمین مقدس را سرزمین عشق نام نهادیم؛ سرزمینی که عشق مخلوق به خالق و عبد به معبود به زیبایی متجلی می‌شود.

اَللّهمَّ عَجِّل لِوَلِیّکَ الْفَرَجَ وَ اجْعَلْنا مِنَ الْمُنْتَظِرینَ لِظُهُورِهِ وَ اجْعَلْ خاتِمَةَ اَمْرِنا خَیراً وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطّاهِرینَ.

ص:۱۲۷

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. احقـاق الحق و ازهـاق الباطـل، القاضـی السـید نورالله الحسـینی المرعشـی التستری، تعلیقـات: آیت‌الله العظمی السـید شـهاب‌الدّین الحسینی المرعشی النجفی، قم، منشورات مکتبهٔ آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، بی‌تا.

۲. احکام القرآن (آیات الاحکام) ، محمـد بن عبدالله اندلسـی اشبیلی (ابن‌عربی) ، به کوشـش: علی محمد بجاوی، بیروت دارالفکر، بی‌تا.

۳. اخبار مکه، محمد بن احمد بن علی فاکهی مکّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴. ارشاد القلوب، حسن‌بن ابی‌الحسن محمد الدیلمی، مترجم: سید هدایت الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۸۰ه. ق.

۵. الارشاد فی معرفـهٔ حجـج الله علی العباد، ابوعبدالله محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی (شـیخ مفید) ، بی‌جا، تحقیق: مؤسسـه آل‌البیت (علیهم‌السلام) ، ۱۴۱۳ه. ق.

ص:۱۲۸

۶. التوحید، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.

۷. اسرار العبادات و حقیقهٔ الصلاهٔ، محمد سعید بن محمد مفید (قاضی سعید قمی) ، بی‌جا، چاپ دانشگاه، بی‌تا.

۸. أشهر المساجد فی الإسلام، سید عبدالمجید بکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۹. اصول کافی، ثقهٔ الاسلام ابی‌جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی و سیدهاشم رسولی، بی‌جا، انتشارات علمیهٔ اسلامیه، بی‌تا.

۱۰. اقبال الاعمال، سید رضی الدّین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، محقّق: جواد القیومی الاصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ه. ش.

۱۱. امالی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ه. ق.

۱۲. أمالی، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۴۹ه. ش.

۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۰ه. ق.

۱۴. اوصاف الاشراف، محمّد بن محمّد نصیرالدّین طوسی، بازنویسی:

سید محمّدرضا غیاثی کرمانی، قم، مؤسّسهٔ انتشارات ظهور، ۱۳۸۵ه. ش.

۱۵. بحارالانوار، محمّدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی،۱۴۰۳ه. ق.

۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی بحرانی، قم، بعثت، ۱۴۱۵ه. ق.

ص:۱۲۹

۱۷. البلدالأمین، ابراهیم بن علی بن الحسن کفعمی عاملی، چاپ اول، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی، ۱۴۱۸ه. ق.

۱۸. بهجهٔ الآمال فی شرح زبدهٔ المقال و منتهی الآمال، ملّا علی علیاری تبریزی، بی‌جا، بی‌نا.

۱۹. تاج العروس، محب الدّین ابوالفیض السّید محمّد مرتضی الحسینی الواسطی الزّبیدی الحنفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۰. تاریخ مدینهٔ دمشق، ابوالقاسم علی بن حسین بن هبهٔ الله بن عبدالله بن الحسینی دمشقی شافعی (ابن عساکر) ، تصنیف، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.

۲۱. تجلّی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عبّاس اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ه. ش.

۲۲. تحف العقول عن اخبار آل الرّسول، ابومحمّد الحسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی الحلبی، قم، مکتبهٔ بصیرتی، ۱۳۹۴ه. ق.

۲۳. تذکرهٔ الاولیاء، عطار نیشابوری، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات بهزاد، ۱۳۷۳ه. ش.

۲۴. تذکرهٔ المتّقین، شیخ محمّد بهاری، قم، انتشارات نهاوندی، بی‌تا.

۲۵. ترجمه‌دعای عرفه امام حسین (ع) ، ابوالحسن شعرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۶. تفسیر البرهان القاطع، ابن فهد حلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲۷. تفسیر دعای سحر، روح الله موسوی خمینی، ترجمهٔ: سید احمد فهری، قم، انتشارات دارالکتاب، بی‌تا.

ص:۱۳۰

۲۸. تفسیر سورهٔ مبارکهٔ حمد، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، انتشارات وحدت، بی‌تا.

۲۹. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۳۰. تفسیر کبیر، فخر رازی، ترجمه: علی‌اصغر حلبی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱ه. ش.

۳۱. تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۳۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۳۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۳۴. تنبیه الغافلین (آیات نازله در شأن ائمهٔ الطاهرین) ، مرتضی علم الهدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۳۵. تهذیب الاحکام، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سیّد حسن خراسانی، تصحیح: شیخ محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۵ه. ش.

۳۶. توحید مفضّل (یا شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع)) ، مفضّل بن عمر، ترجمه و نگارش: نجفعلی میرزایی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۵ه. ش.

۳۷. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:۱۳۱

۳۸. جامع السعادات، مهدی بن ابی‌ذر نراقی، مترجم: سیدجلال الدین مجتبوی، بی‌جا، حکمت، ۱۳۸۶ه. ش.

۳۹. الجعفریات (الاشعثیات) ، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۰. حج در اندیشه اسلامی، سیدعلی قاضی عسکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۱. الحج و العمرهٔ فی الکتاب و السنهٔ، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ه. ش.

۴۲. الحقائق، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، ترجمه و شرح: محمدباقر ساعدی خراسانی، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.

۴۳. الخرائج و الجرایح، قطب الدین راوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۴. الخصال، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تهران، مکتبهٔ صدوق، ۱۳۸۹ه. ق.

۴۵. خلاصه معراج السعاده یا مقامات العلیه، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، راه علم، ۱۳۸۵ه. ش.

۴۶. دیوان اشعار حافظ، خواجه شمس‌الدین محمّد حافظ شیرازی، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸ه. ش.

۴۷. دارالسّلام فیما یتعلّق بالرؤیا و المَنام، حسین بن محمّدتقی نوری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۸. داستان عارفان، کاظم مقدم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۹. الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدّین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ه. ق.

ص:۱۳۲

۵۰. دعائم الاسلام، نعمان بن محمّد نعیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، بی‌تا.

۵۱. دعای عرفه ترجمهٔ تصویری، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۲. دیوان اشعار، صائب تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۳. دیوان اشعار، فروغی بسطامی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۴. دیوان اشعار، مجذوب (مجذوب تبریزی) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۵. دیوان اشعار، محمد شمس الدین بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۶. دیوان اشعار، ناصرخسرو علوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۷. دیوان اشعار، نظامی گنجوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۸. دیوان اشعار، وحشی بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۹. ربیع الأبرار، محمود بن عمر زمخشری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۶۰. الرسالهٔ العلیهٔ فی احادیث النبویهٔ، کمال الدین حسین کاشفی سبزواری، به کوشش: محدث ارموی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ه. ش.

۶۱. رنگارنگ، علی اکبر عماد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۶۲. روزبهان نامه، محمدتقی دانش پژوه، بی‌جا، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ه. ش.

۶۳. ریاحین الشریعهٔ، ذبیح الله محلاتی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۶۴. سفینهٔ البحار و مدینهٔ الحکم و الآثار، حاج شیخ عبّاس قُمّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:۱۳۳

۶۵. السنن الکبری (سنن بیهقی) ، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۶۶. السنن الکبری، ابن شعیب النسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۶۷. السیرهٔ النبویه، ابومحمد عبدالملک بن هشام، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۶۸. شرح حال شاعران ایران، سیداحمد حسینی کازرونی، بی جا، بی نا، بی تا.

۶۹. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۰. شرح نهج البلاغه، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۱. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، تحقیق: محمّد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۷ه. ق.

۷۲. شفاء الغرام، تقی الدین حسنی فاسی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۳. صحیح البخاری، محمدبن اسماعیل بُخاری، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۴. صحیفهٔ مبارکهٔ سجّادیه، ترجمه: فیض‌الاسلام، تهران، ۱۳۷۵ه. ق.

۷۵. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۶. طاقدیس، ملااحمد نراقی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۷. طبیب دل‌ها، صادق حسن‌زاده، بی جا، انتشارات آل علی (ع) ، ۱۳۸۱ه. ش.

۷۸. العبقری الحسان، شیخ علی نهاوندی، بی جا، بی نا، بی تا.

۷۹. علل الشرایع، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، نجف اشرف، مکتبهٔ حیدریّه، ۱۳۸۶ه. ق.

ص:۱۳۴

۸۰. الغدیر فی الکتاب و السُنَّة و الأدب، شیخ عبدالحسین امینی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ه. ق.

۸۱. الغیبه، ابی‌عبدالله محمّد بن ابراهیم النعمانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۸۲. الفتوحات المکیه، محیی‌الدّین ابی‌عبدالله محمّد بن علی (ابن‌عربی) ، بیروت، دارصادر.

۸۳. فرهنگ عمید، حسن عمید، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.

۸۴. فروع الکافی، ثقهٔ الاسلام ابی‌جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۸۵. فروغ خاور، بودا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۸۶. کتاب الصیام شهر رمضان المبارک، علی کریمی جهرمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۸۷. کرامات صالحین، محمدشریف رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۸۸. کشف الاسرار و عدهٔ الابرار، رشید الدین میبدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ه. ش.

۸۹. کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، بی‌جا، برهان، ۱۳۸۹ه. ش.

۹۰. کلیات دیوان شمس تبریزی، محمّد بن محمّد بن الحسین البلخی (جلال‌الدّین مولوی) ، مقدّمه: بدیع الزّمان فروزان‌فر، تصحیح و حواشی: م‌درویش، تهران، سازمان انتشارات جاویدان علمی، ۱۳۴۶ه. ش.

۹۱. کمال الدین، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:۱۳۵

۹۲. کنز العمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاءالدین علی بن عبدالملک (متقی هندی) ، نزیل مکّهٔ المشرّفهٔ، چاپ اوّل، حیدرآباد، ۱۳۱۳ه. ق.

۹۳. الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ه. ش.

۹۴. گزیدهٔ برکات حضرت ولی عصر (عج) ، سیدجواد معلم، چاپ دوم، بی‌جا، تک‌سوار حجاز، بی‌تا.

۹۵. گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۹۶. لسان العرب، محمّد بن مکرم بن منظوم، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.

۹۷. لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۹۸. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ه. ش.

۹۹. مثنوی گلشن راز، شیخ محمود شبستری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۰۰. مثنوی معنوی، محمّد بن محمّد بن الحسین البلخی (جلال‌الدّین مولوی) ، به سعی و اهتمام و تصحیح: رینولد الّین نیکُلْسون از روی نسخه طبع ۱۹۲۵-۱۹۳۳م.

۱۰۱. مجلهٔ میقات حج، جمعی از نویسندگان، شماره ۱۰.

۱۰۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، تحقیق: لُجْنهٔ من العلماء بیروت، مؤسّسهٔ الاعلمی، ۱۴۱۵ه. ق.

۱۰۳. المحاسن، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:۱۳۶

۱۰۴. المَحجّةُ البَیضاء فی تهذیب الأحیاء، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، تحقیق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

۱۰۵. مرآة الحرمین، ایوب صبری پاشا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۰۶. المراجعات، سید شرف‌الدّین موسوی عاملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۰۷. المراقبات فی أعمال السنة، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۰۸. مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، زین الدین بن علی العاملی الجبعی (شهید ثانی) ، قم، مکتبة البصیرتی، بی‌تا.

۱۰۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمّدتقی نوری، بیروت، تحقیق: مؤسسة آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحیاء التراث، چاپ دوّم، ۱۴۰۸ه. ق.

۱۱۰. مسند احمدبن حنبل، احمد بن حنبل، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی، بی‌تا.

۱۱۱. مسند، ابویعلی الموصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، چاپ دوم، بیروت، دمشق، دارالمأمون للتراث، ۱۱۰۴ه. ق.

۱۱۲. مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، تصحیح: دکتر محمد سپهری، چاپ اول، بی‌جا، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ه. ش.

۱۱۳. مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، امام صادق (ع) ، ترجمه و شرح: حسن مصطفوی، بی‌جا، انجمن اسلامی حکمت و فلسفة ایران، ۱۳۶۰ه. ش.

۱۱۴. مصباح الهدایة إلی الخلافة و الولایة، روح الله موسوی خمینی، تهران، پیام آزادی، بی‌تا.

ص:۱۳۷

۱۱۵. معارف و معاریف، مصطفی حسینی دشتی، قم، دانش، ۱۳۷۶ه. ش.

۱۱۶. معالم مکهٔ التاریخیهٔ و الأثریه، عاتق بن غیث بلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۱۷. معانی الاخبار، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۱۸. معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۱۹. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۲۰. معراج‌السّعاده، ملااحمد نراقی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.

۱۲۱. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونس، چاپ سوم، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی، ۱۴۰۹ه. ق.

۱۲۲. مفاتیح‌الجنان، حاج شیخ عبّاس قُمّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۲۳. مکارم الاخلاق، رضی الدین طبرسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۲۴. ملاقات با امام زمان (عج) ، ابوالفضل سبزی، بی‌جا، انتشارات عصر رهایی، بی‌تا.

۱۲۵. من لا ـ یحضره الفقیه، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، منشورات جامعهٔ المدرّسین، بی‌تا.

۱۲۶. المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیرهٔ، ابراهیم بن اسحاق حربی، ریاض، چاپ حمد جاسر، ۱۴۰۱ه. ق.

۱۲۷. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ سوم، طهران، بی‌جا، مکتبهٔ الصّدر، بی‌تا.

ص:۱۳۸

۱۲۸. منتهی‌الآمال، حاج شیخ عبّاس قمّی، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ه. ش.

۱۲۹. المنجد فی اللغهٔ و الاعلام، الاب لویس معلوف الیسوعی (قسمت لغات) و الاب فردینان توتل الیسوعی (قسمت اعلام) ، چاپ بیست و سوم، بیروت، دارالمشرق، بی‌تا.

۱۳۰. میزان الحکمهٔ، محمد محمدی ری شهری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۳۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمّدحسین طباطبایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ه. ق.

۱۳۲. نجم الثاقب، حسین بن محمد تقی طبرسی نوری، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.

۱۳۳. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوزادهم و سیزدهم ه. ق) ، آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، مصحح: میرهاشم محدث، بی‌جا، امیرکبیر، ۱۳۸۷ه. ش.

۱۳۴. نیایش امام حسین (ع) در عرفات، محمدتقی جعفری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۳۵. نیایش در عرفات، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، انتشارات حضرت معصومه۳، بی‌تا.

۱۳۶. نیایش، الکسیس کارل، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۳۷. الوافی، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، تصحیح و تحقیق: ضیاء الدّین علامه، اصفهان، مکتبهٔ امیرالمؤمنین، ۱۴۱۲ه. ق.

ص:۱۳۹

۱۳۸. وسائل الشیعهٔ، محمّد بن حسن عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ه. ش.

۱۳۹. وصیت‌نامهٔ الهی سیاسی، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.

۱۴۰. یوم الخلاص، کامل سلیمان کتّان، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».